



عجل الله تعالی
فرجهما لشرنا

امام زمان

در کتاب نجم الثاقب

در قالب گفتگو با محدث علامه نوری طبرسی

* وظیفه مردم درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجهما

* کرامات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجهما

* توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجهما

* نشانه های ظهور



بِقِيَادَةِ حَيْرَانَ كَبِيرٍ



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب



فہرست

مؤلف: طاہر خوش
 ناشر: انتشارات بہار دلہا
 طراح جلد: ابوالفضل رنجبران
 صفحہ آرائی: حسین نرگسی
 امور هنری: سلیمان جہانزیدہ حیدر باغی
 چاپ: مینایی
 نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۱
 تیراژ: ۵۰۰۰
 بہاء: ۲۰۰۰ تومان



شیراز دہا
 ۷۷۴۱۳۶۲ - ۲۵۱
 ۰۹۱۲ ۷۵۳ ۲۰۴۱

سرشناسہ	: خوش، طاہر، ۱۳۵۷ -
عنوان قرار دادی	: النجم الناقب فی احوال الامام الحجۃ الغائب یرگزیدہ
عنوان و نام پدیدآور	: امام زمان (ع) در کتاب نجم الناقب در قالب گفتگو با محدث علامہ نوری طبرسی / طاہر خوش، قم: بہار دلہا، ۱۳۹۱.
مشخصات نشر	: ۹۶ ص.
مشخصات ظاہری	: 978-600-5836-39-4 :
شابک	: فیبا
وضعیت فہرست نویسی	: کتاب حاضر اقتباسی از کتاب «نجم الناقب» تالیف حسین طبرسی نوری است.
یادداشت	: نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۲۵۴ - ۱۳۳۰ ق.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - سرگذشتنامہ
موضوع	: نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۳۳۰-۱۲۵۴ ق. النجم الناقب فی احوال الامام الحجۃ الغائب - اقتباس ہا
موضوع	: مہدویت
شناسہ افزودہ	: نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۳۳۰-۱۲۵۴ ق. النجم الناقب فی احوال الامام الحجۃ الغائب
ردہ بندی کنگرہ	: BP/۵۱/خ/۸۱۳۹۱
ردہ بندی دیوبند	: ۲۹۷/۹۵۹
شمارہ کتابشناسی ملی	: ۲۷۳۹۷۳۷

امام زمان
عجل الله فرجه
در کتاب بحم الثاقب

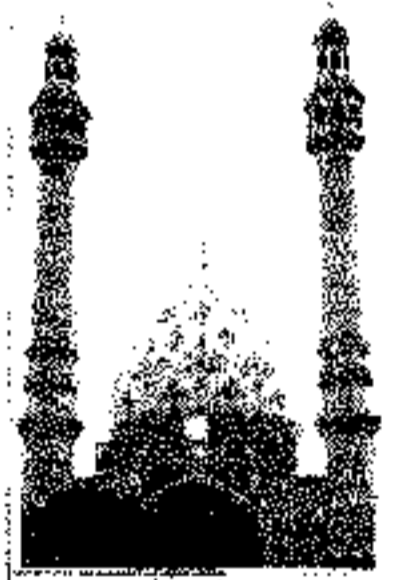
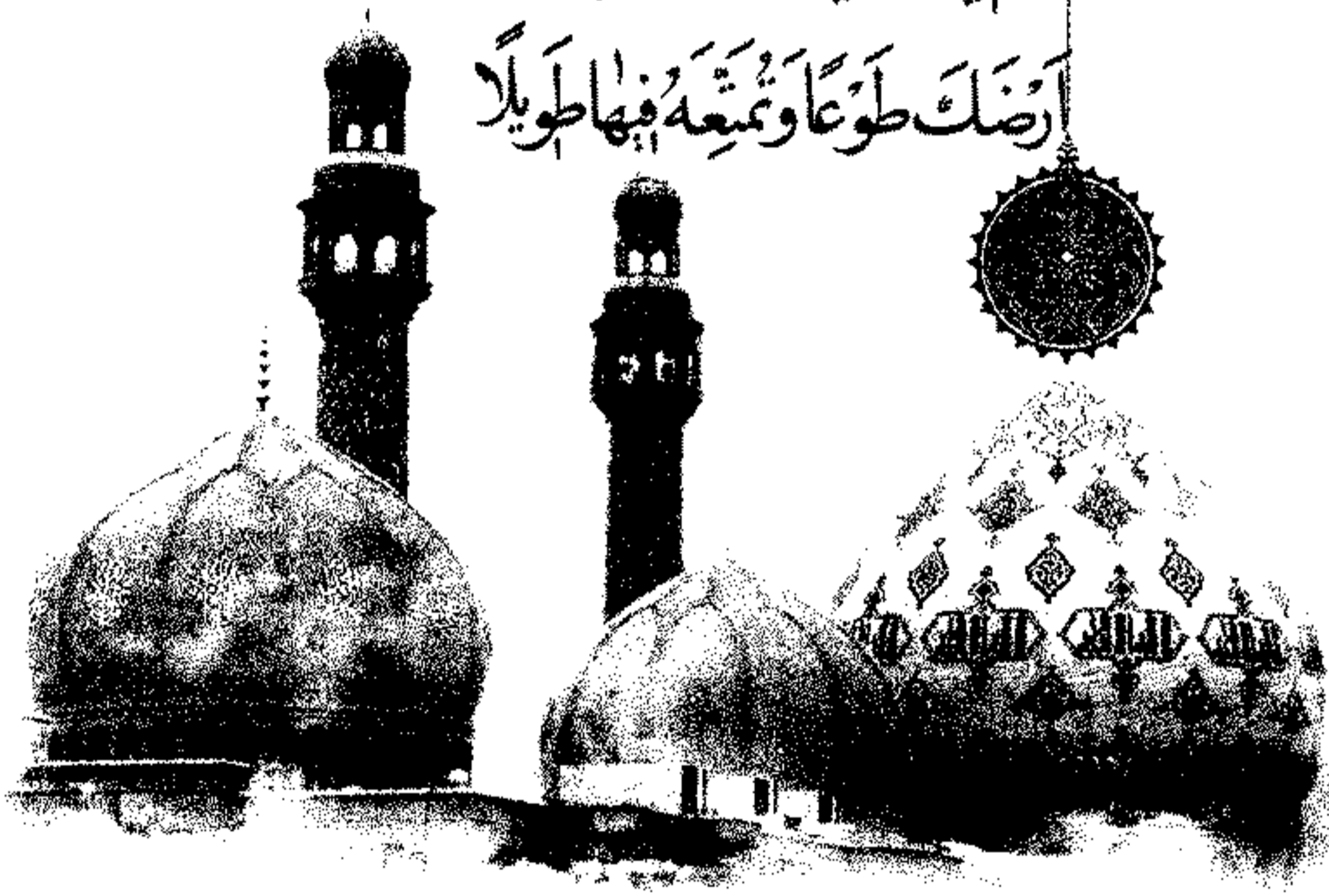
در قالب گفتگو با محدث عالمه فوری طبریزی

طاهر خوش

عَلَيْهِ
وَالْحَمْدُ

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحَجَّةِ بْنِ
الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى
آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ
سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

مِنْ
وَالْحَمْدُ



امام زمان (ع)
در کتاب حجیم الثاقب

تقديم به:

محضر مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ومادر مهربانم





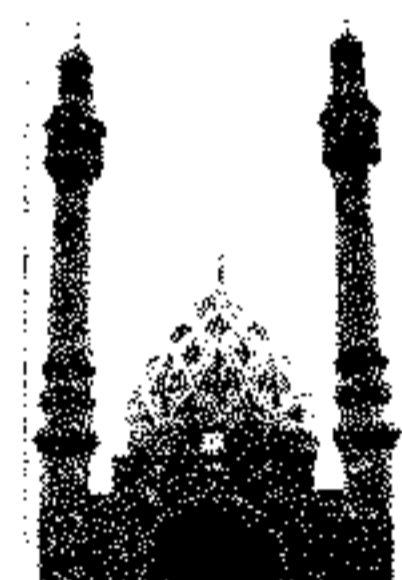
فهرست موضوعات

۹	پیشگفتار.....
	فصل اوّل: مصاحبه با علامه میرزا حسین طبّرسی نوری
۱۲	استاد از زبان استاد.....
۱۳	پدر استاد.....
۱۴	خانواده استاد.....
	فصل دوّم: آشنایی با کتاب نجم الثاقب
۱۶	استاد و نجم الثاقب.....
	فصل سوّم: امام زمان <small>علیه السلام</small> در کتاب نجم الثاقب
۲۰	نام‌های حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۱	ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۳	داستان ازدواج پدر و مادر حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۰	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از نگاه فرقه‌های اسلامی.....
۳۲	غیبت و ظهور در سرداب.....
۳۴	ولایت در کودکی.....
۳۵	اثبات مهدی موعود <small>علیه السلام</small>
۳۶	مهدی <small>علیه السلام</small> و خانواده.....
۳۷	احترام نام قائم <small>علیه السلام</small>
۳۷	عرض ارادت به بقیّة الله <small>علیه السلام</small>
۳۸	نوّاب خاص حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۸	نمایندۀ امام زمان <small>علیه السلام</small> در دوره غیبت کبری.....
۳۸	مدّعیان دیدن حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۹	فایده غیبت.....

بقیة الله
حیرت انگیز
و مومنین



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب



امام زمان
در کتاب نجم الثاقب

۴۰	صدقه برای سلامتی و ظهور امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۰	وظیفه مردم درباره امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۲	بهترین اعمال در روز جمعه
۴۲	جمعه و امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۳	عاشورا و قیام مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۴	شعار اصحاب حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۴	سفارش به شیعیان
۴۵	رابطه امام زمان <small>علیه السلام</small> و شب قدر
۴۶	عرضه اعمال بندگان بر امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۸	نوروز و ظهور مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۸	نشانه‌های ظهور
۴۹	تفسیر آیات
۵۲	توسل به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۳	نامه امام زمان <small>علیه السلام</small> به شیخ مفید
۵۵	اشعار امام زمان <small>علیه السلام</small> در رثای شیخ مفید
۵۶	مسجد جمکران و نماز امام زمان <small>علیه السلام</small>
۵۹	نماز شکر
۶۰	نماز حاجت و دعای فرج
۶۱	نماز هدیه به پیامبر و خاندانش
۶۳	ذکر تسبیح حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۶۳	دعا برای شفای مریض
۶۴	دعای شب نیمه شعبان
۶۶	دعای غریق
۶۶	زیارت امام علی <small>علیه السلام</small>



آداب زیارت حضرت حجّت علیه السلام ۶۷

زیارت معصومان علیهم السلام در خواب ۶۸

فصل چهارم: کرامات حضرت مهدی علیه السلام

کرامات حضرت مهدی علیه السلام ۷۰

فصل پنجم: معرفی کتاب و خاتمه

معرفی کتاب‌هایی درباره غیبت ۸۶

آزمون ۸۷

بیت الله
حرم اربعین
مقدس

امام زمان عج
در کتاب نجم الناقب



پیش‌گفتار

حضرت محمد ﷺ فرمود:

«وُزِنَ حَبْرُ الْعُلَمَاءِ بِدَمِ الشُّهَدَاءِ فَرَجِحَ»

مرکب قلم دانشمندان را با خون شهیدان وزن کردند؛ مرکب، سنگین‌تر شد.^۱

علامه محدث نوری کتاب «نجم‌الثاقب، در احوال حضرت ولی عصر (عجله الله تعالی فرجه الیک)» را در دوازده بخش، درباره زندگی نامه حضرت مهدی (عجله الله تعالی فرجه الیک) نوشته است. نگارنده در این کتاب کوشیده است بخشی از کرامات امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الیک) را گردآوری کند و به برخی شبهات دشمنان شیعه پاسخ بگوید. این اثر نفیس که حدود ۹۰۰ صفحه است، سالیان درازی است که مشتاقان امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الیک)، به ویژه علما و پژوهشگران، را با سیمای آن حضرت آشنا می‌سازد؛ اما نسل جوان و عموم مردم معمولاً رغبت به کتاب‌های ساده و کم‌حجم دارند و به دلیل مشکلات روزمره زندگی، کمتر سراغ آن می‌روند. از این رو، در این کتاب کوشیده‌ایم این اثر نفیس را خلاصه و به صورت مصاحبه‌ای تخیلی، ساده‌نویسی کنیم تا برای عموم مردم جذاب و قابل فهم باشد.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

در پایان، از همه دوستانی که مرا در تدوین این اثر یاری کردند، تشکر می‌کنم و از خداوند متعال و حضرت حجت بن الحسن العسکری - ارواحنا له الفداء - برای همه آنان عاقبت به خیری در این دنیا و شفاعت در آن دنیا را خواستارم.

پیش‌گفتار

امام زمان (عجله الله تعالی فرجه الیک)
در کتاب نجم‌الثاقب

امیدوارم شفاعت حضرت محمد ﷺ شامل مؤمنان، به ویژه
مرحوم علامه محدث نوری و مرحوم پدرم، شود و نویسنده این
کتاب مشمول عنایات امام زمان ﷺ گردد.

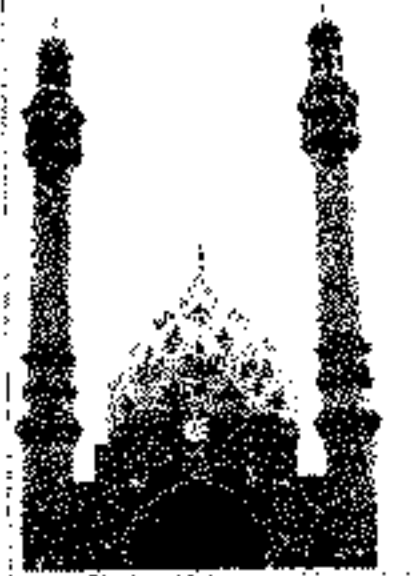
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۳۹۰/۹/۲۲ ش

مصادف با ۱۷ / محرم / ۱۴۳۳ ق

قم - طاهر خوش ساروی

مجلس
اصول و فروع
الاسلام



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل اول

مصاحبه با

علامه میرزا حسین طبّری نوری

امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

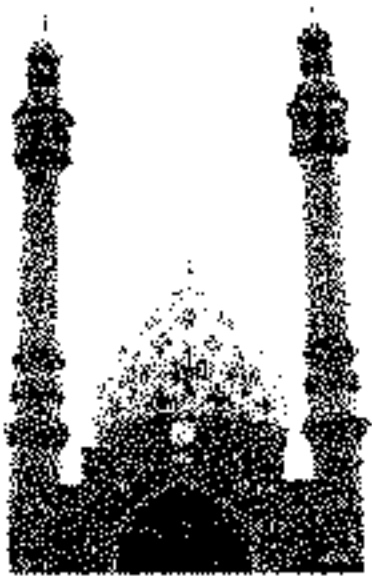
استاد از زبان استاد

جناب استاد نوری، لطفاً خودتان را برای خوانندگان این کتاب معرفی کنید.

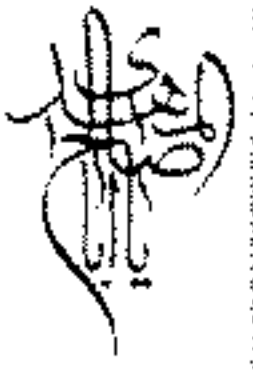
بسم الله الرحمن الرحيم. من در هجدهم شوال سال ۱۲۵۴ ه.ق. / ۱۲۱۲ ش. / ۱۸۳۸ م؛ در روستای سرسبز «یالو» در شهرستان نور استان مازندران، در خانواده‌ای روحانی و اصیل به دنیا آمدم. پدر و مادرم مرا در کودکی به حوزه علمیه فرستادند تا معارف اسلامی را فرا بگیرم.

در نه سالگی، از وجود پر نور پدر محروم شدم. بسیار سعی کردم تا با حقایق دین بیشتر آشنا شوم. به همین دلیل، چهارده - پانزده ساله بودم که با استاد پارسا و فرهیخته‌ای به نام «ملا محمد علی محلاتی» همراه شدم و با شور و شوق تمام و نشاطی که مخصوص جوانان جدی است، از خرمن خلوص و دانش انبوه او خوشه چینی کردم. در سال ۱۲۷۳ ه.ق. همراه ایشان و استاد دیگرم شیخ «عبدالرحیم بروجردی» که بعد افتخار دامادی ایشان نصیبم گشت، از تهران به عراق هجرت کردم. چهار سال در حوزه علمیه نجف به فراگیری علوم اسلامی پرداختم، سپس به ایران برگشتم. در سال ۱۲۷۸ ه.ق. دوباره به عراق رفتم. در این سفر، با آیت الله شیخ عبدالحسین تهرانی، معروف به «شیخ العراقین»، آشنا شدم و با ایشان از کربلا به کاظمین رفتم و دو سال در آن جا ماندم. در این مدت، مشغول تحصیل و پژوهش بودم و با سیر در کتابخانه‌های ایران و عراق، نسخه برداری از نسخه‌های نفیس و یافتن کتاب‌های کمیاب و کیمیا‌های نایاب، توانستم چند کتاب به رشته نگارش دریاورم. سفرهای من مثلث وار بود؛ یک نقطه از این مثلث در نقشه کاری من، مکه مکرمه بود. هنوز بیست و شش سال از بهار عمرم

مهدی
فان محمد



امام زمان
در کتاب نجم‌الناقب



نگذشته بود که در کنگره سالانه حج شرکت کردم. نقطه دوم، آستان قدس رضوی بود. نقطه سوم این مثلث، عتبات عالیات عراق بود.

در حوزه علمیه نجف، در درس آیت الله شیخ مرتضی انصاری حاضر شدم. استاد در سال ۱۲۸۱ ه.ق. از دنیا رفت. من سه سال بعد به ایران برگشتم. دو سال بعد (۱۲۸۶ ه.ق.) به عراق رفتم. استاد دیگرم (شیخ العراقین)، از دنیا رفت و من با دلی محزون، به مکه رفتم. بعد از زیارت خانه خدا، به نجف رفتم و در درس میرزای شیرازی - که مرجع تقلید وقت بود - حاضر شدم. میرزای شیرازی به سامرا هجرت کرد و من و استاد دیگرم به نام آخوند ملافتح علی سلطان آبادی و داماد و خواهرزاده شهید عزیزم، شیخ فضل الله نوری (شهید مشروطیت)، نخستین کسانی بودیم که همراه میرزای شیرازی به سامرا هجرت کردیم و بنا بر درخواست ایشان این کتاب (نجم الثاقب) را به رشته نگارش درآوردم.

پدر استاد

جناب استاد، آیا پدر شما هم روحانی بود؟

بله! پدر من از بزرگترین دانشمندان مازندران و مرجع تقلید مردم، به ویژه اهالی خطه شهید پرور و ولایت مدار «نور»، بود.

پدرم، علامه میرزا محمدتقی، پسر محمدعلی نوری مازندرانی، مشهور به نوری طبرسی بود.

وی در سال ۱۲۰۱ ه.ق. متولد شد و در سال ۱۲۶۳ ه.ق. از دنیا رفت. پدرم چهار برادر با فرهنگ و فرهیخته داشت که همگی در دانش و دیانت شبیه هم بودند:



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

۱. حاج میرزا هادی: ایشان پس از تحصیل در حوزه علمیه نجف به نور برگشت و سیزده سال مرجع تقلید مردم بود. وی در سال ۱۲۹۰ ه.ق. فوت کرد.

۲. آقا میرزا علی: وی بعد از برادر بزرگش، مرجع تقلید مردم بود.

۳. میرزا حسن نوری: وی از دانشمندان و از مدرسان فقه و اصول بود.

۴. میرزا قاسم نوری: وی از مدرسان فقه و اصول بود.

خانواده استاد

استاد محترم، آیا غیر از این بزرگواران، افراد دیگری هم در خاندان شما از نظر علمی و معنوی به مقامات والا رسیدند؟

بله! افراد مؤمن و متدین دیگری هم بودند؛ اما اگر اجازه بفرمایید به دو نفر از زنانی که در خاندان ما و تاریخ عصر خویش نقش مهمی را در حیات پاکشان ایفا کردند، اشاره کنم:

۱. همسر «ملا فتح الله نوری»؛ ۲. همسر «ملا عباس نوری» که از

بزرگان و پارسایان عصر خویش بود. وی مادر شهید شیخ فضل الله نوری بود.

مهدی
فان محمد



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الناقب



بیت المقدس حرم کربلا و معین

فصل دوم

آشنایی با کتاب نجم الثاقب



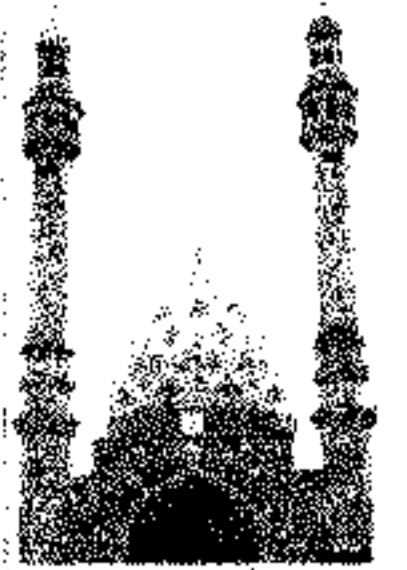
امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

استاد و نجم الثاقب

استاد، انگیزه شما از تألیف کتاب نجم الثاقب چه بود؟

من بسیار دوست داشتم کتابی درباره امام زمان علیه السلام بنویسم؛ تا آنکه چند ماه قبل، مرجع تقلید شیعه، حاج میرزا محمد حسن شیرازی - که در شهر سامرا اقامت داشت - از بنده درخواست کرد کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» شیخ صدوق را به فارسی ترجمه کنم تا آن را چاپ کنند و میان اهل ایمان منتشر سازند. به ایشان عرض کردم: دانشمند فرزانه، «سید علی بن سید محمد اصفهانی»، معروف به «امامی» - که از شاگردان «علامه مجلسی» است - این کتاب را به هشت باب - که از اجزای کتاب هشت بهشت اوست - تقسیم کرده و دانشمندی از سادات شمس آباد اصفهان، آن را ترجمه کرده است. ترجمه دوباره آن، کاری بی فایده است. بهتر است این ترجمه منتشر و میان اهل ایمان پخش شود.

مهدی
فان الحجة



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

استاد، نظرم را پذیرفت و از ترجمه آن منصرف شد. در سال ۱۳۰۳ ه. ق. شبی در محضرشان بودم که به من فرمود: «بهتر است مستقلاً درباره امام زمان علیه السلام کتابی نوشته شود. شما برای این کار شایسته‌ای». به ایشان عرض کردم: مقدمات نوشتن یک کتاب مستقل در این باره برایم فراهم نیست؛ ولی من سال گذشته رساله‌ای به نام «جنة المأوی فیمن فاز بقاء الحجة علیه السلام فی الغیبة الکبری» نوشتم که در آن، کسانی را که در زمان غیبت کبری خدمت امام عصر علیه السلام رسیدند و در جلد سیزدهم کتاب «بحار الانوار» هم نیامده است، جمع‌آوری کرده‌ام. اگر شما صلاح می‌دانید، آن را به زبان فارسی ترجمه کنم و آنچه در



کتاب بحار الانوار هم آمده بر آن اضافه کنم؛ که هم آسان است و هم زودتر به مقصد می‌رسیم.

استاد پیشنهاد را پذیرفت و فرمود: «کوتاهی در کار نشود، خلاصه‌ای از زندگی نامهٔ امام زمان علیه السلام - نیز به آن اضافه گردد».

به حرمین عسکریین علیه السلام رفتم و از آن بزرگواران کمک طلبیدم تا بتوانم در این امر، خدمت ناچیزی به امام عزیزم بنمایم.

بحمدالله، از برکت آن امامان به ظاهر خفته در حرمین عسکریین علیه السلام، در مدت زمان کوتاهی، این خدمت ناچیزم به انجام رسید. شکر خدای متعال را به جا آوردم و نام این نوشته‌ها را که در مورد امام عصر علیه السلام است، «نجم الثاقب در احوال امام زمان علیه السلام» گذاشتم و کتاب را به خاطر وجود نازنین ایشان که دوازدهمین اختر تابناک آسمان ولایت هستند، در دوازده فصل تدوین کردم.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين



بیت الله حیدر علی خان صاحب
مکتبہ دارالعلوم دیوبند

فصل سوم

امام زمان علیه السلام در کتاب نجم الثاقب

امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب



نام‌های حضرت مهدی علیه السلام

امام دوازدهم شیعیان دارای نام‌های متعددی است. و من در کتاب «نجم الثاقب»، ۱۸۲ اسم آن حضرت را آورده‌ام؛ از جمله:

۱. ابوالقاسم: امام صادق علیه السلام فرمود: «خلف صالح از فرزندان من است. اوست مهدی. اسم او محمد و کنیه‌اش ابوالقاسم است.»
۲. ابو عبدالله: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر از عمر دنیا یک روز مانده باشد، خداوند مردی را که اسم او اسم من و اخلاق او اخلاق من و کنیه او ابو عبدالله است برمی‌انگیزاند. کنیه‌اش، کنیه همه اجداد طاهرینش است.»

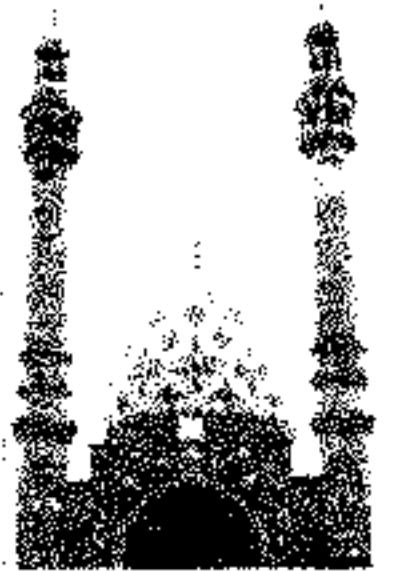
۳. خلف صالح: حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در لوح محفوظ بعد از ذکر نام فرزندش حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «آن‌گاه کامل می‌کنم این را به پسر خلف او که رحمت است برای جمیع جهانیان؛ بر اوست کمال صفوت آدم، رفعت ادریس، سکینه نوح، حلم ابراهیم، شدت موسی، بهاء عیسی و صبر ایوب.»

۴. خلیفه الله: رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مهدی علیه السلام خروج می‌کند و بر سر او ابری است که در آن منادی ندا می‌کند: این مهدی، خلیفه الله است؛ از او پیروی کنید.»

۵. صاحب الزمان: ریّان بن صلت می‌گوید: شنیدم حضرت علی بن موسی علیه السلام می‌فرمود: «قائم، مهدی، پسر پسر پسر من، حسن است؛ جسمش دیده نمی‌شود و کسی اسمش را بعد از غیبت او نمی‌برد، تا آنکه او را ببیند و اعلان به اسم او دهند که مردم نام او را ببرند.

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ای آقای ما، بگوییم صاحب الغیبة و صاحب الزمان؟

مهدی
قائم المجد



امام زمان
در کتاب نجم الثاقب



فرمود: «همه اینها مطلقاً جایز است. من شما را از تصریح به اسم

مخفی او از دشمنان ماکه او را شناسند، نهی می‌کنم.»

۶. صاحب‌العصر: این لقب، در شهرت و معروفیت مثل صاحب‌الزمان علیه السلام است.

۷. قائم: او را قائم نامیدند، برای آنکه قیام به حق خواهد کرد.

۸ مهدی: مشهورترین اسم و لقب آن حضرت نزد همه فرقه‌های اسلامی است.

امام صادق علیه السلام در جواب سؤالی که چرا آخرین امام معصوم را «مهدی» نامیدند، فرمود: «زیرا او مردم را به سوی هر امر مخفی هدایت می‌کند.»

ولادت حضرت مهدی علیه السلام

بنا بر قول مشهور، حضرت مهدی علیه السلام در شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق. به دنیا آمد. پدر بزرگوارش، پیشوای یازدهم شیعیان، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

نام مادرش ملیکه است که او را در بعضی از روزها «سوسن» و در بعضی از ایام «ریحانه» می‌گفتند. صیقل و نرجس هم از نام‌های او بود. حضرت مهدی علیه السلام در شکم مادر بزرگوارش، همراه مادر، سوره «قدر» را قرائت می‌کرد و به ذکر خدای سبحان و راز و نیاز با پروردگار مشغول بود. آن حضرت بلافاصله پس از به دنیا آمدن، به سجده رفت و این آیات را قرائت کرد:

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ

إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ

بِقِسْمَتِهِ
بِأَنَّ الْإِسْلَامَ
دِينُ اللَّهِ
وَمَا خَلَفَ الَّذِينَ

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

أَوْ تُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ
اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۱

خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز او خدایی نیست. فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند. او نگهبان عدل و درستی است. خدایی جز او نیست. او بر هر کاری توانا و به همه چیز داناست. دین پسندیده نزد خدا، اسلام است و اهل کتاب در آن راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند و این خلاف را از راه رشک و حسد در میان آوردند و هرکس به آیات خداوند کافر شود، بترسد که محاسبه خدا زود خواهد بود.

سپس سر مبارک خود را مانند اجداد پاک خود به طرف آسمان بلند کرد و به اذن خدای بزرگ و متعال، شهادتین را رو به قبله گفت و به امامت خود، پدر و دیگر اجداد عزیزش اقرار کرد و نزد پدرش، آنچه بر پیغمبران نازل شده بود، همچون: صحف ابراهیم (به زبان سریانی) تورات موسی، انجیل عیسی و فرقان (قرآن) محمد - که درود و رحمت خدا بر همه آنان باد - را قرائت و قصص انبیای الهی را نقل کرد.

حضرت مهدی علیه السلام در روز هفتم این آیه را خواند:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنُكِنُّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ ۲

و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف ذلیل در آن سرزمین منت گذارده، آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان

مهدی
فالمحمدی



امام زمان
در کتاب نجم الثاقب

گردانیم و در زمین به آنها قدرت و تمکین بخشیم و به چشم فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را از آن ترسان بودند، بنماییم.

داستان ازدواج پدر و مادر حضرت مهدی علیه السلام

استاد، لطفاً داستان ازدواج پدر و مادر امام زمان علیه السلام را نقل کنید.

هنوز ساعتی از شب نگذشته بود که امام هادی علیه السلام خادم خود را صدا زد و به او فرمود: نزد بشر بن سلیمان الخُنَّاس برده فروش - که از دوستان ما اهل بیت علیهم السلام است - برو تا رازی را با او در میان بگذاری. خادم پیغام امام هادی علیه السلام را به بشر رساند. بشر نزد امام هادی علیه السلام آمد. حکیمه خاتون، عمه امام زمان علیه السلام پشت پرده بود. امام هادی علیه السلام نکاتی را در مورد علاقه و محبت خاندان او به فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و فضیلت این مأموریت مهم به بشر گفت و نامه‌ای به خط رومی نوشت و مهر خود را روی نامه زد و همراه کیسهٔ زرد رنگی - که در آن ۲۲۰ دینار بود - به بشر داد و فرمود: این کیسهٔ پول را بگیر و به بغداد برو و صبح فلان روز، روی پُل فرات بغداد منتظر باش. کشتی‌های اسیران به ساحل می‌آیند. تعدادی کنیز در آن کشتی مشاهده می‌کنی. خریداران این‌گونه افراد عمدتاً از وکیلان و تاجران بنی‌عباس و تعداد کمی هم جوانان عرب عراقی هستند که مایل‌اند صاحب آنها شوند. نام فروشندهٔ این کنیزان، «عمر بن یزید» است. او کنیزی را که دو تکه پارچهٔ حریر ضخیم بر تن دارد، برای فروش عرضه می‌کند؛ ولی حُجب و حیای این کنیز باعث می‌شود که خریداران نتوانند به او نگاه کنند و اگر کسی به او دست بزند، اعتراض می‌کند و مانع از انجام این کار زشت می‌شود. خریداران مجبور می‌شوند از پشت پرده‌ای نازک او را نگاه کنند تا قیمت او را به صاحبش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بپردازند. صاحب کنیز، او را به خاطر حجب و حیایش کتک می زند. در این هنگام صدای ناله این کنیز را به زبان رومی می شنوی که می گوید: ای وای! پرده عفتم از بین رفت.

وقتی یکی از مشتریان حیای این کنیز را مشاهده می کند با ۳۰۰ اشرفی خواستار خریدن او می شود که کنیز به زبان عربی به او می گوید: اگر در لباس سلیمان بن داود علیه السلام هم برای خریدن من می آمدی و بر تختی چون تخت پادشاهی او تکیه می زدی، هرگز به تو تمایل پیدا نمی کردم! بهتر است مال خودت را از بین نبری و آن را برای خریدن من بیهوده صرف نکنی.

وقتی برده فروش این سخنان را از این کنیز می شنود، به او می گوید: من چکار کنم که راضی به هیچ مشتری نمی شوی؟ او می گوید: چرا برای فروش من شتاب می کنی. من وقتی به فروختن راضی می شوم که قلب من پیش خریدار و به سبب وفاداری و امانت داری اش آرامش یابد.

ای «بُشر»، در این موقع تو نزد صاحب کنیز برو و به او بگو که نامه ای از جانب یکی از بزرگان همراه توست. به او بگو آن شخص بزرگ، نامه خود را به خط رومی نوشته و در آن بزرگواری، وفاداری، کرم و سخاوت خود را وصف کرده است. این نامه را به کنیز بده که بخواند. اگر به صاحب این نامه تمایلی پیدا کرد و راضی شد، من از جانب آن مرد بزرگ وکیل هستم تا این کنیز را از تو بخرم!

کنیز پس از خواندن نامه گریه کرد و به صاحبش فرمود: مرا به صاحب این نامه بفروش و سوگند به خدا که اگر مرا به صاحب این نامه نفروشی، خودم را از بین می برم.

مقامات و بزرگان



امام زمان عج
در کتاب نجم الثاقب

بُشر کنیز را ۲۲۰ دینار از عمر بن یزید خرید. کنیز در راه نامه را نگاه می‌کرد، می‌بوسید و گریه می‌کرد و روی چشمان و بدن مبارکش می‌گذاشت. بُشر با تعجب به او گفت: «نامه کسی را می‌بوسی که او را نمی‌شناسی؟» کنیز گفت: شناخت تو از منزلت اولاد پیامبر کم است. دل به شنیدن سخن من بسیار تا احوال و ماجرای خودم را برایت بگویم:

من «ملیکه»، دختر «یشوعا بن قیصر»، پادشاه روم، هستم. مادرم از اولاد حواریین حضرت عیسی علیه السلام و منتسب به جانشین حضرت مسیح، «شمعون»، است. حالا تو را از امر شگفتی آگاه می‌کنم.

جدّ من، قیصر روم، می‌خواست مرا در ۱۳ سالگی به عقد برادرزاده‌اش درآورد. او در کاخش ۳۰۰ نفر از اولاد حواریون و کشیشان و راهبان، ۷۰۰ مرد شریف و برجسته و ۴۰۰۰ نفر از بزرگان لشکری و کشوری و عشائر را دعوت کرده بود و با گرانبهاترین زیورآلات و جواهرات حکومتی، تختی آماده کرده بود که آن را به صحن قصر آورد؛ در حالی که این تخت بیش از ۴۰ پله داشت.

برادرزاده قیصر که قرار بود با من ازدواج کند بالای تخت رفت. نظامیان اطراف تخت بودند. کشیشان انجیل‌ها را گشوده بودند تا هنگام خواندن خطبه عقد، آن را بخوانند.

ناگهان صلیب‌ها بر روی زمین افتاد و ستون‌ها و تخت شکست. دامادِ نگون‌بخت با صورت بر زمین افتاد. بزرگ‌کشیشان با حالت پریشانی خدمت جدم رفت و گفت: ای پادشاه، ما را از چنین پیشامدی که باعث از بین رفتن مسیحیت می‌شود، معاف بدار.

جدم این پدیده شوم را به فال بد گرفت و گفت: مراسم را دوباره شروع کنید، ستون‌ها را دوباره درست کنید، صلیب‌ها را برافرازید،

امام زمان (عج)
در کتاب نجم‌التاقب

تخت را بار دیگر برپا کنید. با ازدواج این دو جوان، این فال بد و نحوست از بین می‌رود.

دستورهای جدم را اطاعت کردند؛ اما حادثه اول تکرار شد. مردم پراکنده شدند. جدم از این ماجرا ناراحت شد و به درون کاخ خود رفت.

من در آن شب در خواب دیدم که حضرت عیسی علیه السلام و شمعون و تعدادی از حواریین حضرت عیسی علیه السلام در قصر قیصر گرد هم آمده‌اند و در همان محلی که جدم تخت خود را گذاشته بود، منبر بسیار بلندی از نور نصب کردند. سپس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با گروهی از جوانان و تعدادی از فرزندان او وارد شد. حضرت عیسی علیه السلام به استقبالش رفت و دست در گردن آن حضرت انداخت.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به حضرت عیسی علیه السلام فرمود: ای روح الله، من برای خواستگاری ملیکه، دختر وصی تو (شمعون)، برای این فرزندم، به این جا آمده‌ام. پس با دستش به ابومحمّد [امام حسن عسکری علیه السلام] فرزند صاحب این نامه (امام هادی علیه السلام) اشاره کرد.

حضرت عیسی علیه السلام نگاهی به وصی خود (شمعون) کرد و گفت: «شرافت بزرگ دو جهان به تو روی آورده است. خویشاوندی‌ات را به خویشاوندی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیوند بزن».

شمعون رضایت خود را اعلام کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بر منبر رفت و با عیسای مسیح خطبه عقد مرا با پسر بزرگوارش [امام حسن عسکری علیه السلام] خواند و عیسای مسیح و حواریونش و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله را گواه این ازدواج گرفتند.

من به خاطر ترس از کشته شدن، خواب را برای جدم نقل نکردم و

م
ع
ص
ا
ل
م
ع
س
ک
ر
ی
ع
ل
ی
ه
س
ل
م



امام زمان عجل الله فرجه
در کتاب نجم الثاقب

آن را در سینه خود نگه داشتم تا آنکه لحظه به لحظه آتش محبت ابومحمد [امام حسن عسکری علیه السلام] در دلم بیشتر گشت و دوری او برایم خیلی دشوار شد، به طوری که از خوردنی‌ها و نوشیدن غذاها دوری کردم و ضعیف و لاغر و مریض شدم. جدم دکترهای زیادی را برای معالجه من آورد که هیچ کدام ثمربخش واقع نشد. جدم به من گفت: ای نور چشمم، چه چیزی در دنیا تو را رنج می‌دهد؟ به جدم گفتم: درهای گشایش را به رویم بسته می‌بینم! اگر [بزرگواری کنید] شکنجه و عذاب را از اسیران مسلمان - که در زندان شما هستند - بردارید، غل و زنجیرها را از بدن آنان باز کنید و آنان را آزاد سازید و متنی هم بر آنان بگذارید که به وطن و سرزمین‌هایشان بروند، امید آن دارم که پیامبرمان حضرت عیسی علیه السلام و مادرش حضرت مریم علیها السلام عافیتی بر من بخشند و من هم از این مریضی لاعلاج شفا پیدا کنم.

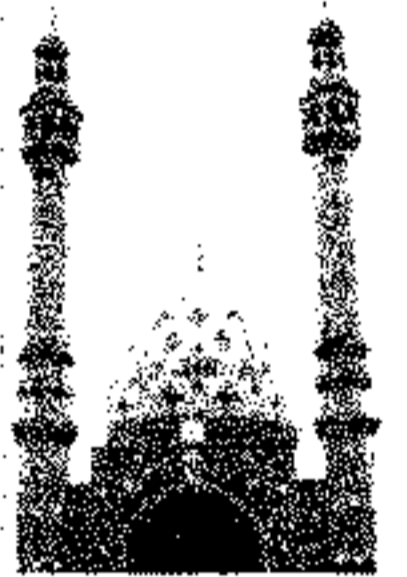
صحبتم که به این جا رسید، جدم خواسته مرا عملی کرد و همه آنان را از زندان رها کرد.

سپس جدم دستور داد غذایی برایم آوردند که خوردم و به شکرانه نعمت آزادی مسلمانان، بهبود یافتم. جدم نیز پس از سلامتی‌ام، مسلمانان را بیشتر گرامی داشت.

چهار شب از این ماجرا نگذشته بود که در عالم رؤیا، سرور زنان جهان، فاطمه علیها السلام، همراه مریم دختر عمران و هزار خدمتکار از خادمان بهشت به دیدن من آمدند. حضرت مریم به من گفت: این «فاطمه» سرور زنان جهانیان و مادر همسر تو ابومحمد است. خودم را به دامن او انداختم و گریه کردم و از نیامدن فرزندش ابومحمد به دیدنم شکایت کردم.

ایشان فرمود: چطور فرزندانم به دیدن تو بیاید در حالی که هنوز مسلمان نشده‌ای؟! این خواهرم مریم از دین و روشی که تو تبعیت می‌کنی دوری می‌کند. حال اگر دوست داری خدای بزرگ و این خواهرم از تو راضی باشند و فرزندانم ابومحمد هم به دیدن تو بیاید، این جملات را بگو: «شهادت می‌دهم که خدایی جز الله نیست و پدرم محمد ﷺ پیامبر و فرستاده خداست». با گفتن این جملات، مسلمان شدم و فاطمه علیها السلام مرا در آغوش گرفت و با گفتن این جملات: «اکنون منتظر آمدن فرزندانم باش که من او را به سوی تو می‌فرستم»، از خواب شیرین بیدار شدم.

بهدای
والحمد لله



امام زمان عجل الله فرجه
در کتاب نجم الثاقب

من در طول روز شهادتین را بر زبان جاری می‌کردم تا اینکه شب شد. به امید دیدن سیمای ابومحمد به خواب رفتم. سرور زنان به قول خود وفا کرد و فرزندش به دیدن من آمد. به او گفتم: ای دوست من، شما بعد از آنکه مرا اسیر و شیفته خود کردی چرا به دیدار من نیامدی؟ ابومحمد فرمود: تو مسلمان نبودی که من به دیدار تو بیایم؛ ولی از زمانی که مسلمان شده‌ای، تا لحظه‌ای که من و تو با هم ازدواج کنیم هر شب نزد تو می‌آیم.

«بُشْر» به ملیکه خاتون گفت: چگونه اسیر شدی؟

ملیکه گفت: شبی در عالم رؤیا، ابومحمد به من گفت: به زودی، جدّ تو قیصر در فلان روز لشکری برای جنگ با مسلمانان خواهد فرستاد و خود او نیز در این جنگ شرکت می‌کند. تو لباس خدمتکاران و کنیزان را بپوش تا کسی تو را نشناسد و از فلان مسیر پشت سر جدّت راه برو. من هم این سفارش ابومحمد را گوش دادم و همه را موبه مو

انجام دادم. هنگام جنگ، لشکر مسلمانان با لشکر جدم مبارزه کردند و مسلمانان پیروز شدند و ما اسیر شدیم و اکنون وضعیت مرا مشاهده می کنی و کسی جز تو نمی داند که من دختر پادشاه روم هستم.

«بُشر» به ملیکه خاتون گفت: تعجب می کنم که تو رومی هستی، ولی به زبان عربی سخن می گویی! او گفت: این هم از لطف و محبت جدم قیصر است که مرا به یادگیری آداب و رسوم ملت ها و امی داشت و زنی که به دو زبان رومی و عربی مسلط بود، هر صبح و شام می آمد و لغت عربی را به من می آموخت تا اینکه به زبان عربی مسلط گشتم.

ملیکه همراه «بُشر» به «سامرا» رفت و وارد خانه امام هادی علیه السلام شد. امام هادی علیه السلام به ملیکه فرمود: «خداوند چگونه عزت اسلام و بزرگواری خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به تو نشان داد؟ او با کمال احترام و ادب عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، من برای شما چه چیزی را وصف کنم، در حالی که شما آن را بهتر از من می دانی!

این ادب و احترام نسبت به پدر شوهر باعث شد که او را بر سر دو راه مخیر کند: ۱. ده هزار درهم به او بدهد؛ ۲. شرافت و عزت ابدی را نصیب او گرداند. ملیکه راه دوم را قبول کرد.

امام هادی علیه السلام فرمود: «تو را به فرزندی که پادشاه مشرق و مغرب جهان می شود و زمین را پُر از عدل و داد می کند، بعد از آنکه پُر از ظلم و جور شده باشد، بشارت می دهم.»

ملیکه عرض کرد: او فرزند کیست؟ امام هادی علیه السلام فرمود: کسی که جدم پیامبر در فلان شب در فلان ماه سال رومی از تو برای وی خواستگاری کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

ملیکه گفت: از مسیح علیه السلام و وصی اش (شمعون) مرا خواستگاری کرد؟! امام هادی علیه السلام فرمود: «مسیح علیه السلام و وصی او تو را به عقد چه کسی در آورد؟ ملیکه جواب داد: به همسری فرزندان ابومحمّد. امام هادی علیه السلام فرمود: آیا او را می شناسی؟ ملیکه گفت: از آن شبی که به دست بهترین زنان جهان، فاطمه علیها السلام، مسلمان شده ام، شبی نشده است که ایشان به دیدن من نیاید.

امام هادی علیه السلام خدمتکار خود را صدا زد و به او گفت که خواهرش حکیمه نزد او بیاید.

حکیمه نزد امام هادی علیه السلام رفت. امام هادی علیه السلام به او گفت: خواهرم، این زن، همان است.

حکیمه، نرجس را در آغوش گرفت و از دیدن او بسیار خوشحال شد. امام هادی علیه السلام به حکیمه فرمود: ای دختر رسول خدا، او را به خانه خود ببر و واجبات و سنت های اسلامی را به او بیاموز که او همسر ابومحمّد و مادر صاحب الامر علیه السلام است.^۱

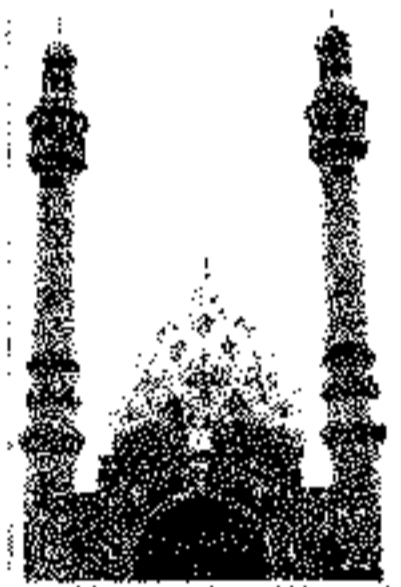
حضرت مهدی علیه السلام از نگاه فرقه های اسلامی

شماری از اهل سنت می گویند: «مهدی علیه السلام از اولاد عباس بن عبدالمطلب است». به نظر من، برخی دنیاپرستان برای گرفتن پاداش و پست حکومتی، روایاتی را در این باره جعل کرده اند.

بعضی از محدثان اهل سنت، مانند ابن حجر، گفته اند: «مهدی علیه السلام از فرزندان حسن علیه السلام است».

به نظرم، این یک اشتباه در نگارش کلمه «حسین» بوده که برخی

مهدی
والمراد محمد



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

آن را «حسن» نوشته‌اند؛ زیرا واژه «حسن» و «حسین» بسیار نزدیک به یکدیگرند.

نسب حضرت مهدی علیه السلام به امام حسن علیه السلام نیز می‌رسد؛ زیرا ام‌الحسن، مادر امام باقر علیه السلام، دختر امام حسن علیه السلام بود. بنابراین، نسب حضرت مهدی علیه السلام از جانب پدر به امام حسین علیه السلام و از جانب مادر به امام حسن علیه السلام می‌رسد.

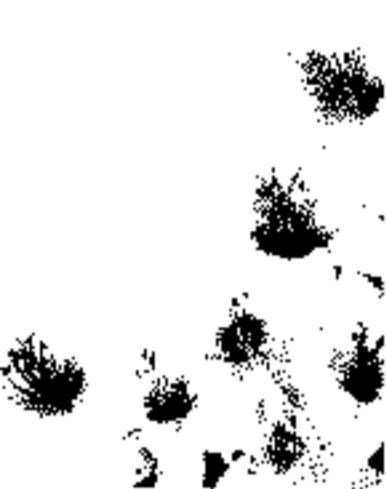
فرقه کیسانیه سه نفر را مهدی دانسته‌اند: ۱. محمد بن حنفیه؛ ۲. ابوهاشم عبدالله بن حمد بن حنفیه؛ ۳. عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن ابی طالب.

پیروان فرقه مغیریه، محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام را مهدی می‌دانند و می‌گویند او هنوز زنده است.

فرقه ناووسیه، که منکر فوت امام صادق علیه السلام شدند، آن حضرت را مهدی موعود می‌دانند.

فرقه اسماعیلیه خالصه، که منکر فوت اسماعیل، پسر امام صادق علیه السلام شدند، اسماعیل را بعد از امام صادق، امام حئی و مهدی قائم می‌دانند.

مبارکیه فرقه‌ای از اسماعیلیه است که معتقدند بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، هفت نفر به امامت رسیدند: امیرالمؤمنین علی، حسن، حسین، علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد علیه السلام و محمد بن اسماعیل بن جعفر که امام عالم و مهدی است. از نظر این فرقه، معنای قائم این است که او مبعوث می‌شود به رسالت و شریعت تازه و شریعت محمد صلی الله علیه و آله را با آن نسخ می‌کند.



واقفیه، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را قائم و مهدی موعود می دانند.

فرقه محمدیه، محمد، پسر امام علی النقی علیه السلام، مشهور به «سید محمد» - که نزدیک سامرا دارای گنبد و مزار شریفی است و در زمان پدر از دنیا رفت - را امام می دانند و می گویند او نمرده و زنده است و او مهدی قائم است.

پیروان فرقه عسکریه، امام حسن عسکری علیه السلام را امام غایب و قائم می دانند و معتقدند او نمرده است.

غیبت و ظهور در سرداب

بعضی از فرقه های اسلامی، به خصوص اهل سنت، بر این باورند که حضرت مهدی علیه السلام در سرداب غایب شد و در آن جا زندگی می کند و از آن جا ظهور می کند و شیعیان بیرون آمدن آن حضرت را از آن مکان انتظار می کشند. نظر شما چیست؟ شیعیان هیچ گاه باور نداشتند که حضرت مهدی علیه السلام از لحظه غیبت تا کنون در سرداب زندگی می کنند. هیچ یک از دانشمندان و شاعران شیعی چنین حرفی را نزده اند و این تهمت است که علیه شیعیان پخش کرده اند.

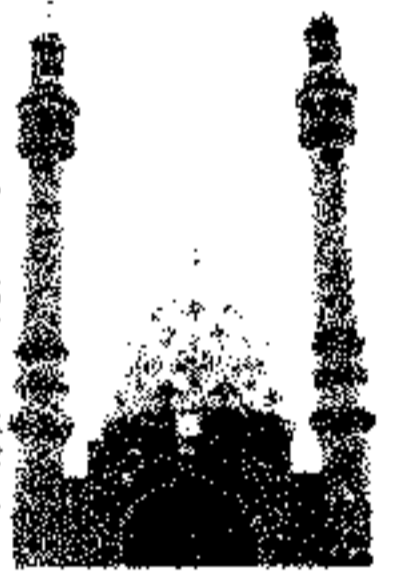
اگر شیعیان چنین باوری داشتند، چگونه در هر جمعه در دعای ندبه به امام زمان علیه السلام می گویند: «کاش من می دانستم که تو کجایی؟»

اگر شیعیان چنین باوری داشتند، چگونه به امام زمان علیه السلام می گویند:

الغَائِبُ عَنِ الْأَبْصَارِ وَالْحَاضِرُ فِي الْأَمْطَارِ الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي
الْإِسْتَارِ وَيُظْهَرُ الْأَرْضُ مِنْ لَوْثِ الْكُفَّارِ

پنهان از چشمها و حاضر در شهرهایی که آشکار و ظاهر می شود در

مهدی
والمجید



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب



خانهٔ خدای صاحب پوشش و مخرّمها و زمین را از کثافت کافران پاک می‌کند.

حضرت مهدی علیه السلام در دورهٔ غیبت صغری، وکیل‌هایی داشت که رابط بین مردم و آن حضرت بودند. در هیچ کتابی نیامده است که نایبان خاص حضرت مهدی علیه السلام در سرداب با آن حضرت دیدار می‌کردند. در دورهٔ غیبت کبری، محل زندگی حضرت مهدی علیه السلام بر مردم مخفی است؛ البته آن حضرت در موسم حج در مکه است. در کتاب «غیبت» شیخ طوسی از محمد بن عثمان عمری رضی الله عنه روایت شده است که او فرمود: «والله! والله! صاحب این امر، هر سال در موسم حج حاضر می‌شود، مردم او را می‌بینند ولی او را نمی‌شناسند؛ ولی آنان را می‌بینند و می‌شناسند».

ذهبی، مورخ اهل سنت، می‌گوید: تا کنون کسی حضرت مهدی علیه السلام را ندیده است. این سخن باطل است؛ چون در غیبت صغری، بسیاری از مردم آن حضرت را دیدند و خدمتش رسیدند که نام‌های آنان در برخی کتاب‌ها آمده است. در زمان غیبت کبری نیز برخی به خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام رسیده‌اند، مانند:

۱. حاجی عبدالهادی طیب همدانی؛
۲. حاج ملا باقر بهبهانی؛
۳. سید مهدی قزوینی؛
۴. سید باقر قزوینی؛
۵. سید بحر العلوم؛
۶. ملازین العابدین سلماسی؛
۷. شیخ علی رشتی؛



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الناقب

۸. شهید ثانی؛

۹. مقدس اردبیلی؛

۱۰. شیخ حر عاملی.

ولایت در کودکی

برخی می‌گویند: ولایت برای حضرت مهدی علیه السلام که کودکی پنج ساله بود امکان ندارد. نظرتان چیست؟

حضرت عیسی علیه السلام در گهواره با مردم سخن گفت:

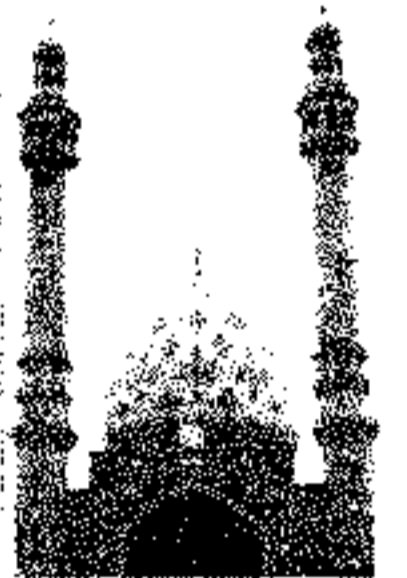
﴿ كَيْفَ نَكَلَّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا * قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا مَّا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا * وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا * وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ۱﴾

مریم [پاسخ ملامتگران را] به اشاره، حواله به طفل کرد. آنان گفتند: ما چگونه با طفلی که در گهواره است سخن گوئیم؟ آن طفل [به امر خدا به زبان آمد و] گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود و مرا هر کجا باشم برای جهانیان مایه برکت و رحمت گردانید و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش می‌کنم و به نیکویی با مادر توصیه می‌کنم و مرا ستمکار و شقی نگردانید و سلام حق بر من است روزی که به دنیا آمدم و روزی که از جهان بروم و روزی که برای زندگانی ابدی آخرت باز برانگیخته شوم.

حضرت یحیی علیه السلام در کودکی به پیامبری رسید:

﴿ يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۲﴾

مهدی
والحمد لله



امام زمان (عج)
در کتاب نجم‌الناقب

به یحیی خطاب کردیم: ای یحیی، تو کتاب آسمانی ما را به قوت نبوت فراگیر و به او در سنّ کودکی مقام نبوت بخشیدیم.

این دو آیه بیانگر آن است که خداوند به حضرت عیسی علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام که در سنّ کودکی بودند، ولایت داده است. بنابراین، ولایت داشتن حضرت مهدی علیه السلام در کودکی امکان دارد.

اثبات مهدی موعود علیه السلام

دلیل شما بر اثبات این که مهدی موعود در روایات، حجت بن الحسن علیه السلام است، چیست؟

بنا بر روایات فراوان که از طریق معصومان علیهم السلام به دست ما رسیده، مهدی موعود از نسل امام حسین علیه السلام و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. مثلاً در روایتی آمده است: از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسیدند: منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله از «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي» کیستند؟

ایشان فرمود: «منم و حسن و حسین و نُه امام از فرزندان حسین علیه السلام که آخرین آنان مهدی است. آنان جدا نمی شوند از کتاب خدای عزوجل. کتاب خدا نیز از آنان جدا نمی شود. سرانجام آنان در حوض کوثر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می روند.»

امام باقر علیه السلام فرمود:

«بعد از حسین علیه السلام، نُه فرزند او امام هستند که آخرین آنان قائم

است و او برتر از همه آنان است.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام جواد علیه السلام فرمود:

«خدا چهارده نور آفرید: محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان از فرزندان حسین علیه السلام. آخرین آنان، قائم علیه السلام است که بعد از غایب شدنی طولانی، قیام خواهد کرد و دجال را خواهد کشت و زمین را از هر جور و ظلمی پاک خواهد کرد.»

اصبغ بن نباته می گوید: نزد امیرالمؤمنین علی علیه السلام رفتم. آن حضرت در زمین نشان می گذاشت و خطی روی زمین می کشید. گفتم: ای امیرالمؤمنین، در اندیشه چه چیزی هستید؟ در زمین نشان می گذاری. علاقه ای به دنیا پیدا کرده ای؟

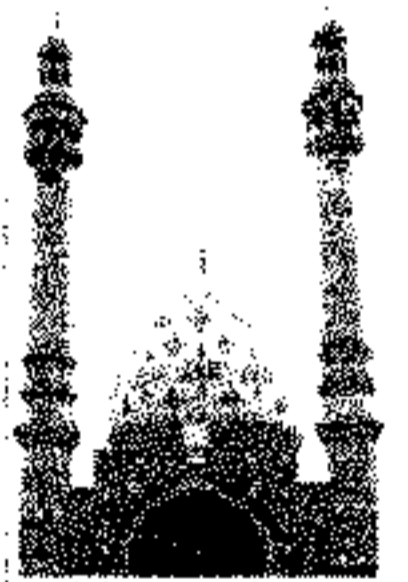
فرمود: نه والله! هرگز رغبتی به دنیا ندارم. در اندیشه مولودی بودم که از نسل یازدهم من به دنیا می آید؛ مهدی که زمین را از عدل پُر می کند.

مهدی علیه السلام و خانواده

آیا حضرت مهدی علیه السلام زن و فرزند هم دارد؟

این که در کتابها و روایات، نامی از زن و فرزند حضرت مهدی علیه السلام نیامده است، دلیل نمی شود که حضرت مهدی علیه السلام زن و فرزند ندارد. ازدواج، سنت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است و امام معصوم به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله عمل می کند. نیز در زیارت مخصوص امام زمان علیه السلام آمده است: «صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»؛ «صلواتُ الله عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ ...» و «صلواتُ الله عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ

مهدی
فامحمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

احترام نام قائم علیه السلام

چرا باید با شنیدن نام حضرت قائم علیه السلام از جای خود مان بلند شویم؟

در روایت آمده است: روزی در مجلس امام صادق علیه السلام، اسم مبارک آن حضرت برده شد، آن حضرت برای تعظیم و احترام برخاست. اهل سنت نیز هرگاه اسم مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله برده می شود از جای خود بلند می شوند.

سیره شیعیان جهان، عرب و عجم، ترک و هند و دیلم، بر این است که هرگاه نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام، به خصوص قائم علیه السلام، برده شود، برای تعظیم آن حضرت از جای خود بلند می شوند.

عرض ارادت به بقیه الله علیه السلام

چگونه به امام عصر علیه السلام سلام و عرض ارادت کنیم؟

برای عرض ارادت و سلام بگوییم:

«السلامُ على الإمام العالم الغائب عن الأبصار والحاضر في الأمصار
و الغائب عن العيون والحاضر في الأفكار بقیة الأخیار وارث
ذی الفقار الذی یظهر فی بیت الله الحرام ذی الأستار و ینادی بشعار یا
ثارات الحسین انا الطالب بالآوتار انا قاصم کل جبار»

سلام بر پیشوای دانای غائب از دیدگان و حاضر در شهرها و غائب از چشمها و حاضر در فکرها، باقی مانده نیکان، وارث شمشیر ذوالفقاری که ظاهر می شود در خانه خدای صاحب پرده ها که ندا می دهد به شعار «یا لثارات الحسین، ای خون خواهان حسین». من درخواست کننده

یگانگان [و مظلومان] و درهم کوبنده ستمگرانم.»



نواب خاص حضرت مهدی علیه السلام

نواب خاص حضرت مهدی علیه السلام چند نفر بودند و نامشان چیست؟
چهار نفرند: ۱. عثمان بن سعید عمری؛ ۲. محمد بن عثمان بن سعید عمری؛ ۳. حسین بن روح نوبختی؛ ۴. علی بن محمد سمری.

نماینده امام زمان علیه السلام در دوره غیبت کبری

هنگام رخ دادن حوادثی در زمان غیبت کبری، به چه کسانی باید مراجعه کنیم؟
در روایت آمده است:

أما الحوادث الواقعة، فارجعوا فيها إلى رواة احاديثنا، فإنهم حجتي عليكم و
أنا حجة الله عليهم

اما حوادثی که در زمان غیبت کبری واقع می شود، پس مراجعه کنید در آن حوادث به سوی کسانی که سخنان ما را برای مردم بیان می کنند (مجتهدان)؛ چون آنان حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر آنان هستم.

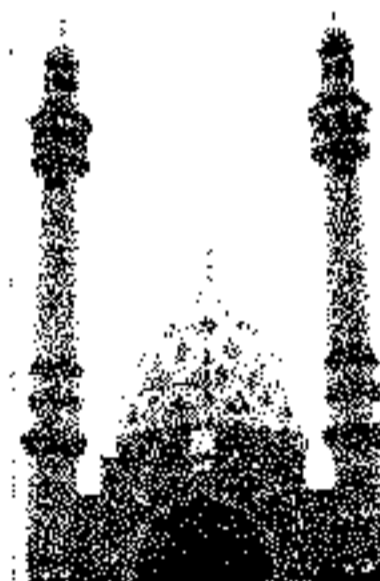
مدعیان دیدن حضرت مهدی علیه السلام

چرا مدعی دیدن حضرت مهدی علیه السلام، دروغگو است؟

شیخ صدوق رحمته الله در «کمال الدین» و شیخ طوسی رحمته الله در «احتجاج» روایت کرده اند: امام زمان علیه السلام به ابی الحسن سمری، آخرین وکیل خود، در نامه ای نوشت:

ای علی بن محمد سمری، بشنو! خداوند، اجر برادران تو را در تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر می میری. کارهای خودت را

مهدی
قال محمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الناقب



جمع و جور کن و به هیچ کس که قائم مقام (جانشین) تو باشد وصیت نکن.

غیبت کبری واقع شد. ظهوری نیست مگر بعد از اذن خدای تعالی و این بعد از طول زمان و قساوت قلب‌ها و پر شدن زمین از جور است! به زودی، برخی شیعیان مدعی دیدن می‌شوند. هر کس پیش از خروج سفیانی، مدعی دیدن شود، دروغگو و تهمت‌زننده است.

علامه مجلسی در «بحار الانوار» درباره این روایت می‌نویسد:

شاید منظور حضرت مهدی علیه السلام این باشد که هر کس ادعا کند مرا دیده و نایب و وکیل من است و از سوی من پیمان برای مردم دارد، دروغگو و تهمت‌زننده است.

شاید حضرت مهدی علیه السلام برای جلوگیری از سوءاستفاده خلفای عباسی فرمود از این به بعد، هر کسی ادعای دیدن مرا کرد دروغگوست؛ زیرا بیم آن می‌رفت خلفای عباسی در زمان غیبت کبری، با تبلیغات فراوان، به مردم بقبولانند که نماینده امام زمان علیه السلام هستند و حکومت خود را مشروع جلوه دهند.

فایده غیبت

مردم در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام، چگونه از ایشان بهره‌مند می‌گردند؟

امام زمان علیه السلام در نامه‌ای به نایب دوم خود، محمد بن عثمان، در پاسخ به این سؤال، فرمود: «بهره مردم از وجود من در زمان غیبت، همانند بهره آنان از خورشید هنگامی است که ابرهای تیره آن را بپوشاند. من امان برای اهل زمین هستم؛ به طوری که ستارگان برای اهل آسمان امان اند.»

در کتاب نجم الثاقب

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

صدقه برای سلامتی و ظهور امام زمان علیه السلام

چرا باید برای امام زمان علیه السلام صدقه داد؟

صدقه دادن برای سلامتی خود یا دیگران، خوب است و صدقه دادن برای سلامتی و ظهور امام زمان علیه السلام، بسیار خوب است.

در کتاب «امان الأخطار» در دعای صدقه دادن هنگام سفر آمده

است:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ لَكَ وَمِنْكَ وَهِيَ صَدَقَةٌ عَنْ مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ حَمْدُكَ اللَّهُ فَرَجَهُ
وَصَلَّى عَلَيْهِ بَيْنَ أَسْفَارِهِ وَحَرَكَاتِهِ وَسَكَنَاتِهِ فِي سَاعَاتِ لَيْلِهِ وَنَهَارِهِ وَ
صَدَقَةٌ عَمَّا يُعْنِيهِ أَمْرُهُ وَمَا لَا يُعْنِيهِ وَمَا يَضْمِنُهُ وَمَا يَخْلِفُهُ

خداوندا، این صدقه برای تو و از ناحیه توست و صدقه‌ای برای سرور ما، محمد (محمّد است). خدایا، ظهورش را نزدیک کن، در تمام سفرها و حرکات و رفتارهایش در تمام ساعات شب و روز درود بر او بفرست و صدقه‌ای است از آن چیزی که کمک بر کار اوست و آن اموری که کمک نمی‌کند و آن اموری که تضمین می‌کند و چیزی که از او باقی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام برای سلامتی و بهره‌مندی بیش‌تر خود از نعمت‌های دنیوی و اخروی، در صبح، شام، نیمه‌شب، اول ماه، ابتدای سفر و ... صدقه می‌دادند.

وظیفه مردم درباره امام زمان علیه السلام

وظیفه مردم درباره امام زمان چیست؟

وظیفه مردم درباره امام زمان علیه السلام عبارت است از:

مهدی
فان محمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب



۱. ناراحتی برای غیبت امام زمان علیه السلام

در «عیون اخبار الرضا علیه السلام» آمده است: چه بسا مردان و زنان با ایمان که برای غیبت «ماء معین» (حضرت مهدی علیه السلام) ناراحت اند.

۲. سربلندی در امتحانات

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: آن زمان که بدون نشانه و امام هدایت کننده خواهید بود در امتحانات چه کار خواهید کرد؟

۳. انتظار فرج

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج از خداوند عزوجل است».

امام زمان علیه السلام به محمد بن عثمان فرموده: «برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید، چون فرج شما در آن است».

۴. دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام

در روایات و کتاب های دعا، چند دعا برای سلامتی امام زمان علیه السلام ذکر شده است؛ از جمله:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا تُسَكِّنُهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعُهُ فِيهَا طَوِيلًا

بار خدایا، برای ولی خودت [حضرت] محمد بن الحسن المهدی در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و کمک رسان باش. او را از روی میل و رغبت روی زمینت ساکن گردان و بهره مندی او را طولانی فرما.

بِقَوْلِهِمْ
حَيْرٌ لِّكَ
مُؤْمِنِينَ

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

اللهم كن لوليك فلان بن فلان في هذه الساعة و في كل الساعة ولياً و
حافظاً و ناصراً و دليلاً و قائداً و عيناً حتى تسكنه ارضك طوعاً و
تمتعه فيها طويلاً

بار خدایا، برای ولی خودت فلان بن فلان [محمد بن حسن المهدی]
در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و یاور و راهنما و
پیشوا و دیده‌بان باش تا او را از روی میل و رغبت روی زمینت ساکن
گردانی و بهره‌مندی او را در زمین طولانی فرما.

بهترین اعمال در روز جمعه

بهترین اعمال در روز جمعه چیست؟

دعا برای ظهور حضرت مهدی عج و صد بار بعد از نماز عصر روز
جمعه گفته شود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

جمعه و امام زمان عج

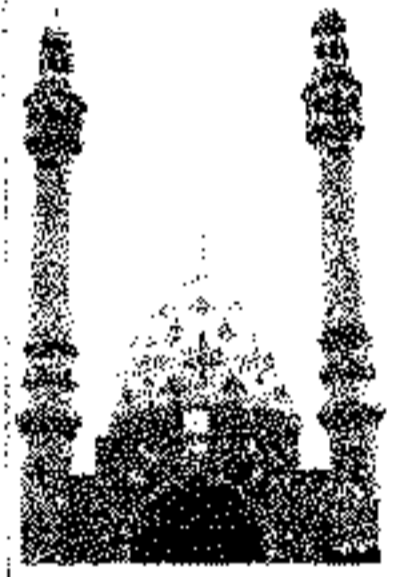
چرا روز جمعه به امام زمان عج اختصاص دارد؟

۱. امام زمان عج در روز جمعه دنیا آمد؛
۲. امام زمان عج در روز جمعه ظهور خواهد کرد. در زیارت مختص آن
حضرت در روز جمعه می‌خوانیم:

يا مَوْلَايَ! يا صاحِبَ الزمانِ صلواتُ اللهُ عَلَيْكَ و عَلَى آلِ بَيْتِكَ هذا يَوْمُ
الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ و الْفَرَجُ فِيهِ لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى
يَدَيْكَ ...

ای آقای من، ای صاحب‌الزمان، درود خداوند بر تو و خاندان پاکت باد!
این روز جمعه است که در آن روز که به شما اختصاص دارد، انتظار

مهدی
قال محمد



امام زمان عج
در کتاب نجم الثاقب



ظهور تو و گشایش در کارهای مؤمنان به دست توست. ای امام، ای آقای من [در این روز] من مهمان شما هستم و به شما پناه آورده‌ام. مولای من شما کریم و بخشنده هستید و از فرزندان بزرگوارانید و مأمور به پناه دادن، پس مرا مهمان کن و پناه ده.

۳. روز جمعه عید مسلمانان است.

۴. جمعه از نام‌ها یا لقب‌های صاحب‌الزمان عجل الله فرجه است.

عاشورا و قیام مهدی عجل الله فرجه

رابطه روز عاشورا و قیام حضرت مهدی عجل الله فرجه چیست؟

ابو حمزه ثمالی به امام باقر عجل الله فرجه عرض کرد:

یابن رسول الله، آیا همه شما قائم به حق نیستید؟

امام باقر عجل الله فرجه فرمود: بلی.

ابو حمزه پرسید: پس چرا فقط قائم عجل الله فرجه را قائم گویند؟

امام باقر فرمود: «پس از آن که جدم حسین عجل الله فرجه کشته شد، فرشتگان

ناله و گریه و زاری کردند و گفتند: «الهنا و سیدنا، آیا از کسی که برگزیده

تو و پسر برگزیده تو را بکشد دوری خواهی کرد؟»

خداوند وحی فرستاد: «قسم به عزت و جلال خود، از آنان انتقام

خواهم گرفت.»

آن‌گاه خدای متعال، ائمه از فرزندان امام حسین عجل الله فرجه را برای ملائکه

ظاهر کرد. پس آنان خوشحال شدند. ناگاه دیدند که یکی از این ائمه عجل الله فرجه

ایستاده است و نماز می‌خواند. در این هنگام، خدای عزوجل فرمود:

«به این قائم ایستاده، از آنان انتقام می‌کشم!»

تفسیر حدیث
عاشورا و قیام
مهدی عجل الله فرجه

امام زمان عجل الله فرجه
در کتاب نجم الثاقب

شعار اصحاب حضرت مهدی علیه السلام

شعار اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

شعار اصحاب امام زمان علیه السلام، «یا لثارات الحسین» است.

بنا بر روایات، یکی از فایده‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام، انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام است.

در زیارت عاشورا، بارها از خداوند می‌خواهیم انتقام خون سیدالشهدا علیه السلام را با امام ظاهر ناطق مهدی منصور از آل محمد علیهم السلام روزی کند. بارها ائمه علیهم السلام و اصحاب آنان در سخنان، نوشته‌ها و اشعار خود، مصیبت بزرگ شهادت امام حسین علیه السلام را با انتظار ظهور حضرت قائم آل محمد علیهم السلام تسلی می‌دادند.

عاشورا و انتظار

سفارش به شیعیان

استاد عزیز، امام زمان علیه السلام به یکی از شیعیان سفارش به خواندن نافله، زیارت عاشورا و زیارت جامعه کردند. لطفاً کمی در این مورد توضیح دهید.

بله! همان طوری که شما هم فرمودید، امام زمان علیه السلام به یکی از شیعیان که راه بیت‌الله الحرام (مکه) را گم کرده بود سه سفارش کرد:

الف. «چرا شما نافله نمی‌خوانید؟ نافله! نافله! نافله!»؛

ب. «چرا شما عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا! عاشورا! عاشورا!»؛

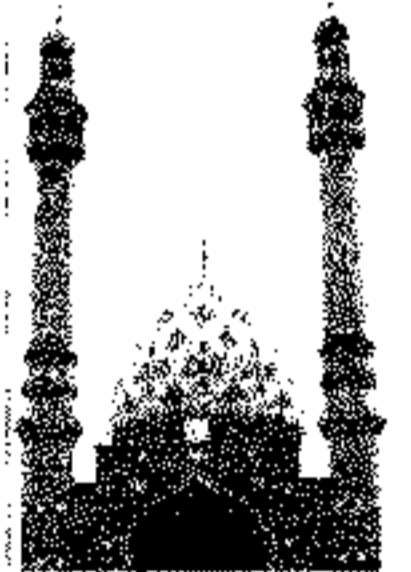
ج. «چرا شما جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه! جامعه! جامعه!».

نماز شب

فضایل و فواید «نماز شب» خارج از حد و بیان و توصیف است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«بر تو باد به نماز شب! بر تو باد به نماز شب! بر تو باد به نماز شب!»



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

زیارت جامعه

به تصریح گروهی از علما، زیارت جامعه، بهترین و کامل ترین زیارت است.

علامه مجلسی در «مزار» بحار الانوار، بعد از شرح کوتاه زیارت جامعه، می نویسد: این زیارت، صحیح ترین زیارت در سند، فصیح ترین زیارت در لفظ، بلیغ ترین زیارت در معنا و بالاترین زیارت در شأن و مقام است. جد پدرم در شرح «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» فرمود: «زیارت جامعه، بهترین و کامل ترین زیارت است و من زمانی که در عراق بودم، ائمه علیهم السلام را زیارت نکردم مگر به این زیارت».

زیارت عاشورا

مداومت بر خواندن زیارت عاشورا، باعث رفع بلا و گشایش در کارها می شود و فواید دیگری هم دارد که در کتاب «دارالسلام» آنها را ذکر کرده ام. در فضل و مقام این دعا همین بس که از احادیث قدسی است که به همین ترتیب از زیارت و لعن و سلام و دعا از سوی خدا به جبرئیل امین و از او به خاتم النبیین صلی الله علیه و آله رسید و به حسب تجربه، مداومت به آن در چهل روز یا کمتر در برآورده شدن دعاها و رسیدن به مقصد و دفع دشمنان، بی نظیر است. یکی از اعمال روز عاشورا، هزار لعن بر قاتل سیدالشهداء علیه السلام است.

رابطه امام زمان علیه السلام و شب قدر

رابطه امام عصر علیه السلام با شب قدر چیست؟

شب قدر، شب بروز و ظهور قدر و منزلت و عظمت امام عصر علیه السلام به سبب نزول روح و ملائکه بر آن حضرت است علامه مجلسی در



«زاد المعاد» فرمود: «از بعضی احادیث ظاهر می شود که هر سه شب (نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم) قدر هستند». در مقام ذکر عبادت در این شب قدر فرموده اند: «چون حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فرشتگان فوج فوج به خدمت او می آیند و بر او سلام می کنند و تقدیراتی که برای او و سایر خلق شده است بر او عرض می کنند، سزاوار نیست در چنین شبی [مؤمنی] تاسی به امام خود نکند و به غفلت به سر آورند؛ چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال، فرزند، عزت، صحت، توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب می شود و اصلاح تمام احوال سال را در این شب خواهد بود و ممکن است که نام کسی در دیوان اشقیاء نوشته باشد در این شب تغییر یابد و از زمره سعادت‌مندان شود؛ چنان که این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است.

عقبات



امام زمان عجل الله فرجه
در کتاب نجم الثاقب

عرضه اعمال بندگان بر امام زمان علیه السلام

لطفاً در مورد عرضه اعمال بندگان بر امام زمان علیه السلام توضیح دهید.

در عصر دوشنبه و پنجشنبه، اعمال بندگان به امام عصر علیه السلام عرضه می شود؛ چنان که در عصر هر امامی بر آن امام عرض می شد و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بر پیامبر عرضه می شد.

اخبار و روایات فراوانی در این باره وجود دارد؛ ولی در بیش تر آنها تصریح به عصر نشده و فقط در بعضی روایات دیگر اشاره به آن شده است. شیخ طبرسی در «تفسیر مجمع البیان» در ذیل آیه «وَقُلِ اعْمَلُوا

فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولَهُ وَالْمُؤْمِنُونَ^۱ (و (ای رسول ما) بگو به خلق که هر عملی کنید (نیک یا بد) خدا آن عمل را می بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می شوند) می نویسد: «اصحاب ما روایت کردند که اعمال امت بر پیامبر ﷺ در هر دوشنبه و پنجشنبه عرض می شود».

شیخ ابوالفتوح رازی در تفسیر خود می نویسد: «در اخبار آمده است که اعمال امت را در هر شب دوشنبه و پنجشنبه به رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم السلام عرض می کنند و مراد از مؤمنان در آیه، امامان معصوم علیهم السلام هستند».

شماری از کارهایی که مستحب است در شب و روز دوشنبه و پنجشنبه انجام شود، عبارت است از:

۱. خواندن هزار مرتبه «انا انزلناه»؛
۲. خواندن سوره «هل أتى» در نماز صبح؛
۳. جارو کردن مسجد؛
۴. خواندن استغفار مأثور در آخر روز پنجشنبه؛
۵. عرض حاجت کردن به امام عصر علیه السلام، چنان که سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «کشف المحجبه» به فرزندش وصیت کرده است؛
۶. درخواست شفاعت و اصلاح نامه های اعمال و تبدیل سیئات به حسنات از آن حضرت؛
۷. توسل به امام عصر علیه السلام.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام زمان
در کتاب زجه الناقب

نوروز و ظهور مهدی علیه السلام

آیا حضرت مهدی علیه السلام در روز نوروز ظهور می کند؟

نوروز، روز ظهور و پیروزی امام عصر علیه السلام بر دجال است. امام صادق علیه السلام فرمود: «روز نوروز، روزی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در غدیر خم از مردم پیمان گرفت.

نوروز روزی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به وادی جن فرستاد تا با آنان پیمان ببندد.

نوروز روزی است که علی علیه السلام در آن روز، بر اهل نهروان پیروز شد و ذوالثدیه را کشت.

نوروز روزی است که قائم در آن روز ظاهر می شود و خدا در آن روز او را بر دجال پیروز می کند.

هیچ نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار می کشیم در آن روز، فرج امام زمان علیه السلام را؛ زیرا آن روز از ایام ماست که فارس ها (ایرانیان) آن را محافظت کردند و شما [عرب ها] آن را ضایع کردید.

نشانه های ظهور

نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام کدامند؟

نزدیک به ۴۰۰ نشانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام در کتاب «غیبت» شیخ طوسی و «بحار الانوار» ذکر شده است؛ مانند:

۱. سرخی در آسمان؛

۲. ندای آسمانی؛

۳. گندی حرکت افلاک؛

مهدی
فالمحمدی



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

۴. ظهور مصحف امیر المؤمنین علی علیه السلام؛
۵. سایه انداختن ابری سفید بر سر حضرت مهدی علیه السلام؛
۶. یاری رساندن ملائکه و جنّ به حضرت مهدی علیه السلام؛
۷. رفتن وحشت و نفرت از میان حیوانات؛
۸. زنده شدن بعضی از بزرگان و اصحاب؛
۹. ظاهر شدن گنج‌های زمین؛
۱۰. زیاد شدن نعمت‌های الهی؛
۱۱. رشد عقل مردم؛
۱۲. بروز نیروی خارق‌العاده در دیدگان آن حضرت و اصحابش؛
۱۳. رفتن بلا از بدن‌های یاران آن حضرت؛
۱۴. قوی بودن اصحاب آن حضرت؛
۱۵. بودن پرچم پیامبر با آن حضرت؛
۱۶. اندازه بودن زره پیامبر بر بدن آن بزرگوار؛
۱۷. برداشته شدن تقيه و خوف؛
۱۸. باز شدن تمام درهای علم؛
۱۹. اطاعت حیوانات از آن حضرت؛
۲۰. آوردن شمشیرهای آسمانی برای اصحاب آن حضرت.

تفسیر آیات

آیا نامی از حضرت مهدی علیه السلام در قرآن آمده است؟

نام حضرت مهدی علیه السلام در قرآن نیامده ولی آیات فراوانی درباره آن حضرت نازل شده است؛ مانند:

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد این آیات، حضرت مهدی علیه السلام است.

۱۰. ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ... حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ﴾^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: یعنی برخیزد و قائم علیه السلام ظاهر شود.

۱۱. ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾^۲.

احمد بن محمد سیاری از امام معصوم علیه السلام روایت کرده که مراد از فتح، قائم علیه السلام است.

۱۲. ﴿... وَمَنْ قُتِلَ مُظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾^۳.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «من قتل مظلوماً» امام حسین علیه السلام است که مظلوم کشته شد. مراد از «منصور» آن است که خداوند مهدی علیه السلام را منصور نامید؛ چنانچه احمد را محمد و محمود علیهم السلام نامید و عیسی علیه السلام را مسیح.

۱۳. ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ﴾^۴.

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره قائم علیه السلام نازل شده است. خداوند می فرماید: «اگر امام شما از شما غایب شد که نمی دانید او کجاست، پس کیست که برای شما امام ظاهری بیاورد و برای شما اخبار آسمان و زمین و حلال خداوند و حرام او را بیاورد؟!»

۱۴. ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ...﴾^۵.

امام باقر علیه السلام فرمود: «خداوند به سبب قائم علیه السلام، زمین را، پس از مردنش به سبب کفر اهلش، زنده می کند و کافر مرده است.»

۱. سوره قدر، آیه ۱-۵.

۲. سوره نصر، آیه ۱.

۳. سوره اسراء، آیه ۳۳.

۴. سوره حدید، آیه ۱۷.

۱۵. ﴿وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ﴾^۱

۱۶. ﴿فَوَرَبُّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ﴾^۲

امام سجاده علیه السلام می فرمایند: منظور این آیات، برخاستن و خروج قائم آل محمد علیهم السلام است.

۱۷. ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾^۳

معصوم علیه السلام فرمود: «رب زمین، امام زمین است و اینکه مردم بی نیاز شوند از نور آفتاب و ماه به نور حضرت مهدی علیه السلام».

۱۸. ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ...﴾^۴

امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت مهدی علیه السلام پس از ظهور، به کعبه تکیه می کند و ۳۱۳ مرد جمع می شوند و اولین چیزی که حضرت مهدی علیه السلام می گوید همین آیه است. سپس [حضرت] مهدی علیه السلام می گوید: منم بقية الله و حجت و خليفه او بر شما، پس سلام نمی کند بر او سلام کننده ای مگر آنکه می گوید: السلام عليك يا بقية الله في أرضه».

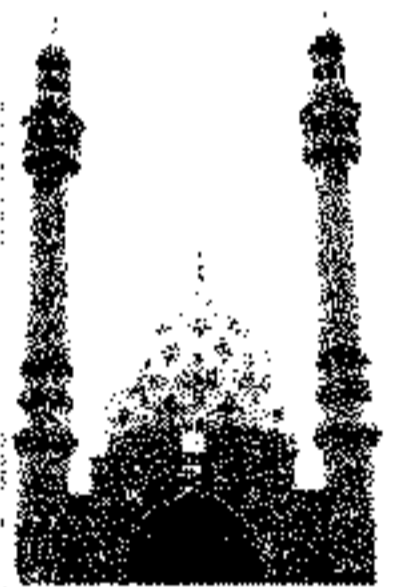
توسل به امام زمان علیه السلام

چگونه برای امام زمان علیه السلام نامه بنویسیم؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أبا الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيَّ الْعَظِيمِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَعِصْمَةَ الْأَجِينِ، بِأُمَّكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ بِيَسِينِ (بَيْتِ) وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَالْجَبْرُوتِ الْعَظِيمِ وَحَقِيقَةِ

مهدی
قال محمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الناقب

۱. سورة ذاریات، آیه ۲۲.

۲. سورة ذاریات، آیه ۲۳.

۳. سورة هود، آیه ۸۶.

۴. سورة زمر، آیه ۶۹.



الإيمان وَ نُورِ النُّورِ وَ كِتَابٍ مَسْطُورٍ أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ
لِفُلَانٍ أَوْ هَلَاكِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ؛

به نام خداوند بخشنده مهربان

به تو توسّل جسته‌ام ای ابوالقاسم؛ ای محمّد فرزند حسن فرزند علی
فرزند محمّد فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمّد فرزند
علی فرزند حسین فرزند علی بن ابی طالب! که خبر بزرگ و راه راست
و پناه پناه‌آوردندگان هستی؛ [به تو توسّل می‌جویم] به واسطه مادرت
سرور زنان جهانیان و نیز به واسطه پدران پاک و مادران طاهره و پاکت؛
به واسطه یاسین و قرآن حکیم و بزرگی جبروت الهی و حقیقت ایمان
و روشنی بخش نورها و کتاب نگاشته شده، از تو درخواست می‌کنم و
متوسّل می‌شوم تا به عنوان سفیر و فرستاده من به سوی خدای تعالی در
مورد برآوردن حاجت یا هلاک کردن و نابودی دشمنم یعنی فلانی
فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده.

این نامه را در گِلِ پاکی بگذار و در آب جاری یا چاهی بینداز.
سپس بگو: «یا سَعِيدَ بْنَ عَثْمَانَ و یا عَثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ أَوْ صِلَا قِصَّتِي إِلَى
صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ ای سعید بن عثمان و ای محمّد بن عثمان!
از شما دو نفر درخواست می‌کنم که این جریان و داستان کار مرا به
حضرت صاحب‌الزمان - که درود خدا بر او نثار باد - برسانید.»

نامه امام زمان علیه السلام به شیخ مفید

نامه امام زمان علیه السلام به «شیخ مفید» درباره چیست؟

حضرت مهدی علیه السلام دو نامه برای شیخ مفید نوشت. در یک نامه آن

حضرت به شیخ مفید آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

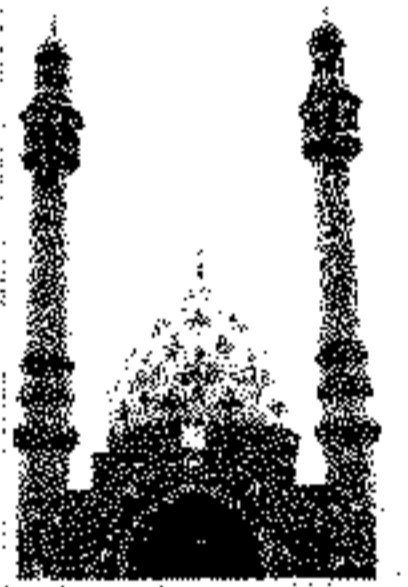
از بنده خدا، مرزبان و نگاهبان راه او به کسی که حق به او الهام گشته و راهنمای حق است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلام و درود خدا بر تو؛ ای یاور حق و ای کسی که با گفتاری دل‌نشین مردم را به سوی حق فرامی‌خوانی! ما خداوند را در مَنظَرِ تو حمد می‌گوییم؛ آن خدایی که جز او خدایی نیست؛ خدای ما و خدای نیاکان ماست و درود بر آقا و مولایمان حضرت محمد، خاتم پیامبران و بر خاندان پاکش را از او خواستاریم.

اکنون ما شاهد و ناظر مناجات تو بودیم. خداوند با آن وسیله‌ای که به سبب اولیای خویش به تو بخشیده است تو را حفظ کند و از نیرنگ دشمنانش در امان دارد و شفاعت ما را در آن دعا بپذیرد؛ از قرارگاهمان در قلّه کوهی در مکان ناشناخته که اخیراً به خاطر افرادی بی‌ایمان به ناچار از منطقه‌ای پُر درخت به این جا آمده‌ایم و به همین زودی از این محل به دشتی هموار که چندان از آن آبادی دور نباشد فرود آییم. از احوالات آینده خود آگاهت خواهیم ساخت تا به آن وسیله آگاه شوی که به سبب کارهای خوب خود نزد ما مقرب هستی. خداوند به رحمت خود، تو را به این اعمال موفق بدارد. پس تو - که خداوند با چشم عنایت خویش هرگز آن را خواب نگیرد، نگهداری‌ات کند - باید رو در روی آشوبی که جان مردمی را که نهال باطل کاشته‌اند و به هلاکت خواهد افکند، بایستی تا باطل اندیشان و بیهوده‌کاران را بترسانی که از سرکوبی آنان، مؤمنان شاد و تبه‌کاران اندوهگین می‌گردند. ما به تو - ای دوست با اخلاص که در راه ما با ستمگران درستیز و پیکاری و خداوند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امام زمان (عج)
در کتاب نجم‌الناقب



تو را به همان گونه - که دوستان شایسته پیشین و گذشته ما را تأیید کرده است، تأیید کند - گوشزد می کنیم که هر یک از برادران دینی تو که تقوای خدایی اش پیشه کرده، آنچه را به گردن دارد به مستحقانش برساند [و] در فتنه ویرانگر بر بار دهنده و گرفتاری و آشفتگی های تاریک و تیره کننده در امان خواهد بود و آن کس که در دادن نعمت هایی که خداوند به او کراهت فرموده، به کسانی که در رسیدگی به آنها فرمان داده، بخل و حسد ورزد، در دنیا و آخرتش زیان کار خواهد بود.

اگر شیعیان ما - که خدا آنان را بر اطاعت خویش موفق کند - بر وفای به عهدی که با آنان بسته شده است، همگام بودند، دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما، به گونه ای که ما را بشناسند، هر چه زودتر نصیبشان می گردید؛ پس هیچ چیز آنان را از ما دور نمی دارد؛ مگر آنچه از آنان به ما می رسد، آنها را ناخوش می داریم و از آنان روانمی داریم. خدا یاری کننده و برای ما کافی و بهترین وکیل است و درود و سلام او بر سالارِ بشارت دهنده و بیم دهنده مان حضرت محمد و خاندان او باد.

اشعار امام زمان علیه السلام در رثای شیخ مفید

اشعاری که امام زمان در رثای شیخ مفید سرودند چیست؟

اشعار زمانی سروده شد که شیخ مفید از دنیا رفته بود. حضرت مهدی علیه السلام این ابیات را بر قبر مطهر شیخ مفید نوشتند:

«لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّهُ	يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
إِنْ كُنْتَ قَدْ غُيِّبْتَ فِي حَدَثِ الثَّرَى	فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فِيكَ مُقِيمٌ
وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا	تَلَيْتَ عَلَيْهِ مِنَ الدَّرُوسِ عُلُومٌ

پیشینه
برادران
دینی
تو

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

کاش هرگز صدای خبر دهنده مرگ تو، به گوش نرسیده بود؛ زیرا روز رحلت تو بر خاندان عصمت و طهارت بسیار سخت است. از نظرها پنهان شدی و بدن پاکت زیر خاک مدفون گردید، اما اساس علم و توحید در شخصیت تو همواره برپاست. مهدی علیه السلام از بیانات علمی و درس‌هایی که تو برای دانشجویان علوم دینی خود ایراد می‌کردی، همواره خشنود بود.

مسجد جمکران و نماز امام زمان علیه السلام

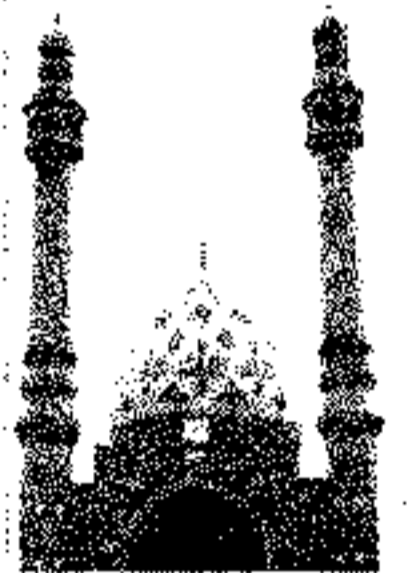
داستان مسجد مقدس جمکران چیست؟

امام زمان علیه السلام در شب سه‌شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۷۳ ه.ق. به حسن بن مثله جمکرانی دستور داد مسجدی در روستای جمکران بنا کند.

حسن بن مثله می‌گوید: خوابیده بودم که چند نفر به منزل من آمدند. با اینکه نصف‌شب بود، مرا بیدار کردند و گفتند: «برخیز! امام مهدی علیه السلام تو را طلب می‌کند. سریع بیا».

از خانه بیرون آمدم، مردانی را دیدم. سلام کردم. جواب دادند و به من مرحبا و خوش آمد گفتند. مرا تا جایی که الان مکان مسجد است آوردند. خوب که نگاه کردم تختی که روی آن فرش خوبی پهن شده و بالش‌هایی هم روی آن بود و جوانی سی‌ساله بر آن تخت بر چهار بالش تکیه کرده و پیرمردی که حضرت خضر نبی علیه السلام بود، کنارش نشسته و کتابی در دست گرفته بود و می‌خواند و در حالی که شصت مرد که بعضی‌ها لباس سفید و بعضی دیگر لباس‌های سبز بر تن داشتند، در این مکان مقدس گرد این جوان نماز می‌خواندند.

مهدی
قال محمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم‌الناقب

حضرت خضر علیه السلام به من دستور داد که بنشینم. امام زمان علیه السلام مرا با نامم صدا زد و گفت: «پیش حسن بن مسلم برو و به او بگو تو چند سال است این زمین را آباد و کشت می کنی و ما هم خرابش می کنیم. پنج سال این زمین را کاشتی. آیا با اینکه در این چند سال هیچ محصولی به دست نیاوردی، امسال هم می خواهی بکاری؟! تو اجازه نداری پس از این وارد این زمین بشوی و تاکنون هرچه از محصول این زمین سود برده ای، باید تحویل دهی تا برای بنای مسجدی در این مکان هزینه شود.»

به حسن بن مسلم بگو: این جا مکان شریفی است که خداوند آن را بر دیگر مکان ها برتری داده است. این زمین آزاد بود؛ اما تو آن را به مزرعه خودت ملحق کردی و خداوند سزای این تجاوز را به تو داد و دو فرزند جوانت را از تو گرفت؛ اما تو عبرت نگرفتی و از خواب غفلت بیدار نشدی، از این پس اگر آنچه را من گفتم انجام ندهی، آن چنان گرفتار انتقام الهی می شوی که ندانی از کجا ضربه خوردی.

اگر مردم از تو دلیل و نشانه ای خواستند، بدان تا آن جا که برسد ما می دانیم چه کاری انجام دهیم، حالا تو برو و پیام ما را برسان و همچنین پیش سید ابوالحسن برو و جریان را به او بگو. او خودش می آید و حسن بن مسلم را احضار می کند و همه درآمد چندین ساله این زمین را از او می گیرد و آن را به مردم می دهد تا در این جا مسجد بسازند و کم بودن مقدار هزینه بنای مسجد را هم، از درآمد محصول **مِلْکِ رَهَقَ** در حومه اردهال^۱ تأمین می کند و ما نصف **مِلْکِ رَهَقَ** را بر این مسجد

۱. این ملک امام علیه السلام در نزدیکی اردهال، روستایی از بخش قمصر کاشان بود. رک: لغت نامه

که در این مکان بنا می شود، وقف کردیم تا هر ساله از درآمد آن، برای تعمیرات این مسجد استفاده شود.

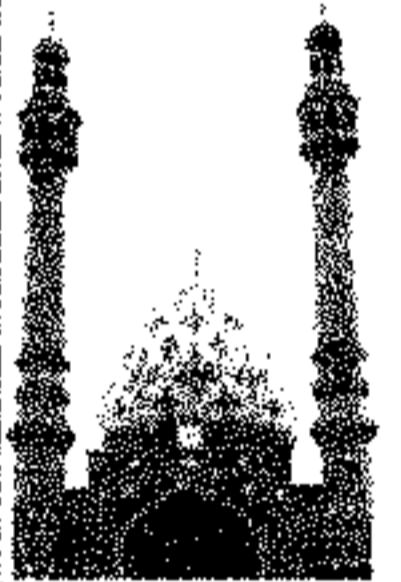
به مردم بگو تا به این جا رغبت کنند و عزیزش بدارند و چهار رکعت نماز در این جا بخوانند:

در این مکان مقدّس به قصد تحیّت، دو رکعت نماز بخوانند که در هر رکعت، سوره «حمد» یک مرتبه و سوره «توحید»، هفت مرتبه قرائت می شود و ذکر «سبحان الله» را در هر رکوع و سجود، هفت مرتبه می گویند. دو رکعت هم نماز امام صاحب الزمان علیه السلام بگزارند؛ به این صورت که نمازگزار سوره «حمد» را شروع می کند و وقتی به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید، آن را صد مرتبه تکرار می کند، سپس سوره «حمد» را تمام می کند و به همین روش در رکعت دوم نیز انجام می دهد و در هر رکوع و سجود هم، هفت مرتبه ذکر «سبحان الله» می گوید و هرگاه نماز را تمام کرد، «لا اله الا الله» می گوید و ذکر تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام را بر زبان جاری می کند و پس از ذکر تسبیح به سجده می رود و صد مرتبه بر محمد و خاندانش صلوات می فرستد.

هر کس در آن مسجد نماز بخواند، مثل این است که در کعبه نماز خوانده است.

در گله گوسفندان جعفر کاشانی چوپان، یک بُز هست که باید آن را بخری. اگر اهالی جمکران پول خرید آن بُز را به تو دادند، با آن پول می خرید و اگر ندادند، پول خرید آن بُز را از مال خودت بپرداز و آن بُز را به همین مکان بیاور و فردا شب آن را قربانی کن. در روز چهارشنبه، هجدهم ماه مبارک رمضان، گوشت آن را بین بیماران، به خصوص

صلوات بر محمد و آله



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الناقب



مريض‌هایی که از دکترها کاری برایشان ساخته نیست، تقسیم کن؛ زیرا خداوند همه آنها را که از این گوشت بخورند، شفا می‌دهد.

آن بزرگوار و پشیمش زیاد است و روی بدنش هفت نشانه دارد که بعضی سیاه و بعضی سفید است، سه نشانه در یک طرف و چهار نشانه در طرف دیگر بدنش واقع شده و آن سیاهی و سفیدی هر یک به اندازه یک درهم است.

ما در این مکان، هفتاد یا هفت روز هستیم. اگر بر هفت روز حمل کنی، مطابق با شب قدر بیست و سوم ماه مبارک رمضان می‌شود که یکی از شب‌های قدر است و اگر هفتاد روز باشد، مطابق با بیست و پنجم ذی‌القعدة است و هر دو روز مبارک است.

نماز شکر

طریقه خواندن نماز شکر را بیان کند؟

شیخ طبرسی در کتاب «عدة السفر وعمدة الحضر» دو رکعت نماز شکر روایت کرده است که باید پس از ادای هر نماز واجب به جا آورد:

در رکعت اول، سوره «حمد» و «قل هو الله» یک مرتبه و در رکعت دوم، «حمد» و سوره «قل یا ایها الکافرون» یک مرتبه و در رکوع و دو سجده رکعت اول بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا» و در رکوع و سجده رکعت دوم بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى لِي حَاجَتِي وَاسْتَجَابَ لِي دُعَائِي وَاعْطَانِي مَسْئَلَتِي؛ سپاس خدایی را که حاجتم را برآورد و دعایم را مستجاب کرد و درخواستم را برآورده کرد.»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

نماز حاجت و دعای فرج

لطفاً طریقه خواندن نماز حاجت و دعای فرج را ذکر کنید؟

سید فضل الله راوندی در کتاب «دعوات» می نویسد: «نماز مهدی - صلوات الله و سلامه علیه - دو رکعت است: در هر رکعتی «حمد» یک مرتبه و صد مرتبه «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و صد مرتبه صلوات بر پیغمبر و آل او - صلوات الله علیهم - بعد از نماز بفرستد».

دعای فرج که باید بعد از نماز بخواند، این است:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ وَ بَرِحَ الْخَفَاءِ وَ انْكَشَفَ الْغَطَاءِ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْمُشْتَكِي وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ وَ عَجَّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ وَ أَظْهِرْ أَعزازه يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ كَافِيَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ احْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا حَافِظَايَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ سَهْ مَرْتَبَهُ الْغَوْثَ أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي الْأَمَانَ سَهْ مَرْتَبَهُ^۱

در کتاب
نجم الثاقب



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

پروردگارا، بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی بر طرف گشت (آنچه پنهان بود، آشکار شد) و پرده [از کار ما] برداشته شد و زمین [بر ما] تنگ آمد و آسمان [رحمتش را از ما] دریغ کرد و شکایت نزد تو آورده می شود و در سختی و سستی بر تو اعتماد می شود. خدایا، بر محمد و آل او درود فرست. آنان که امر [و اطاعتشان] را بر ما واجب کردی و تعجیل فرما فرج آنان را به واسطه قیام کننده ایشان و آشکار فرما یاری

۱. دعای فرج مشهور دیگری با کمی تفاوت در مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی رحمته الله در بخش دعای فرج آمده که علاقه مندان می توانند به آن بخش یا در بخش حکایات از همین کتاب رجوع کنند.



را. ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، مرا کفایت کنید که شما کفایت کنندگان من هستید. ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، مرا یاری کنید که شما یاری کنندگان من هستید. ای محمد، ای علی، ای علی، ای محمد، مرا حفظ [و محافظت] کنید که شما محافظ من هستید. ای مولای من، ای صاحب الزمان، (سه مرتبه بگویید) به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، امان (سه مرتبه بگویید).

نماز هدیه به پیامبر و خاندانش

چگونه می توانیم نمازی را به پیامبر و ائمه هدیه کنیم؟

شیخ طوسی در کتاب «مصباح» درباره نماز هدیه به پیامبر و ائمه علیهم السلام می نویسد:

از روز جمعه شروع می کند و هشت رکعت نماز می خواند. چهار رکعت را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت را به دخترشان فاطمه زهرا علیها السلام هدیه می کند.

روز شنبه: چهار رکعت برای امیرالمؤمنین علیه السلام.

روز یکشنبه: چهار رکعت برای امام حسن مجتبی علیه السلام.

روز دوشنبه: چهار رکعت برای سیدالشهداء علیه السلام.

روز سه شنبه: چهار رکعت برای حضرت سجاد علیه السلام.

روز چهارشنبه: چهار رکعت برای حضرت باقر علیه السلام.

روز پنجشنبه: چهار رکعت برای حضرت صادق علیه السلام.

روز جمعه: چهار رکعت برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت برای

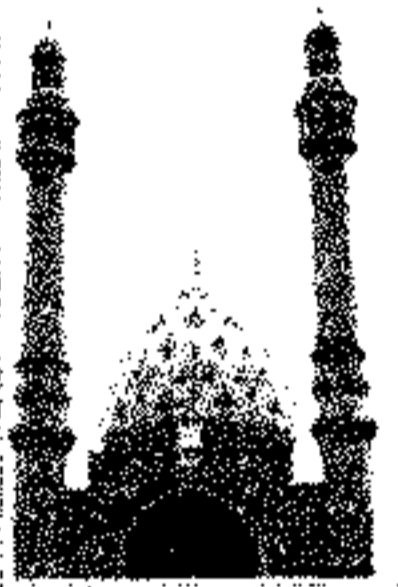
حضرت حجت علیه السلام.

روز شنبه: چهار رکعت برای امام موسی کاظم علیه السلام.

پیامبر و ائمه
هدیه نماز



امام زمان عجل الله فرجه
در کتاب نجم الثاقب



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الناقب

به همین ترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت برای حضرت
حجت علیه السلام می خواند.

در روایات آمده است: «کسی که ثواب نماز، واجب یا مستحب،
را به رسول خدا و امیرالمؤمنین و اوصیای بعد از ایشان - صلوات
الله علیهم - هدیه کند، خداوند ثواب نماز او را چند برابر می کند
تا روح از بدنش جدا گردد و به او پیش از آنکه روح از بدنش
مفارقت کند، می گویند: دلت خوش باد و چشمت روشن به آنچه
خدای متعال برایت مهیا کرده و به آنچه رسیدی گوارایت
باد.

بہتر است در این نمازها، تسبیح رکوع و سجود را سه مرتبه بگوید
و پس از آن بگوید: و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. نیز بعد از
هر دو رکعت بگوید: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حِينَا
رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ! (و نام آن
حجت را ببرد که هدیه برای اوست) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْهُ إِيَّهَا
وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ فِيهِ؛ بار
پروردگارا، تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از
جانب توست و به سوی تو بازمی گردد. پروردگارا، سلامی از سوی
خودت بر ما هدیه کن. خداوندا، این چند رکعت نماز، هدیه ای است از
من به فلان پسر فلان (مثلاً حجت بن الحسن علیه السلام). پس بر محمد و
آل محمد درود فرست و این هدیه را برسان و به من فزون تر از آرزو و
امیدی که در مورد تو و رسول تو - که رحمت و درود تو بر او و آل او
باد - و در مورد حجتت دارم، عطا فرما.»



ذکر تسبیح حضرت مهدی علیه السلام

ذکر تسبیح حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

ذکر تسبیح حضرت حجت علیه السلام از روز هجدهم ماه تا آخر ماه این است:

«سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ؛ خدا را به عدد تمام مخلوقاتش تسبیح می‌کنم و او را در حدی که رضای ذات اقدس وی در آن است پاکیزه دانسته، خدا را به تعداد و شماره کلماتش تسبیح و همچنین ذات مقدسش را از هر عیب و نقص دور می‌دانم و همتای عرش وی، او را تسبیح می‌کنم و او سزاوار همان قدر حمد و ستایش من است که او را تسبیح و تقدیس می‌کنم.»

دعا برای شفای مریض

دستور امام زمان علیه السلام جهت شفای مریض چیست؟

هر کس این دعا را [در ظرف تازه‌ای با تربت حسین علیه السلام] بنویسد و آن را بشوید و آب آن را بیاشامد، شفا می‌یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ هُوَ الشَّافِي شِفَاءٌ وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءٌ إِذْهَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُهُ سُقْمٌ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ.»

به نام خداوند بخشنده مهربان. «بسم الله» دواست، «الحمد لله» شفاست، «لا اله الا الله» موجب کفایت است، «هو الشافی» شفا است و «هو الکافی» کفایت است. تو را به پروردگار مردم سوگند می‌دهم که بدی [و مریضی] را دور گردانی و شفایی بدهی که هیچ بیماری در پشت آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام زمان علیه السلام
 در کتاب نجم الثاقب

نباشد و درود فراوان و همیشگی خداوند بر محمد و خاندان
برگزیده اش باد».

دعای شب نیمه شعبان

چه دعایی در شب نیمه شعبان بخوانیم؟

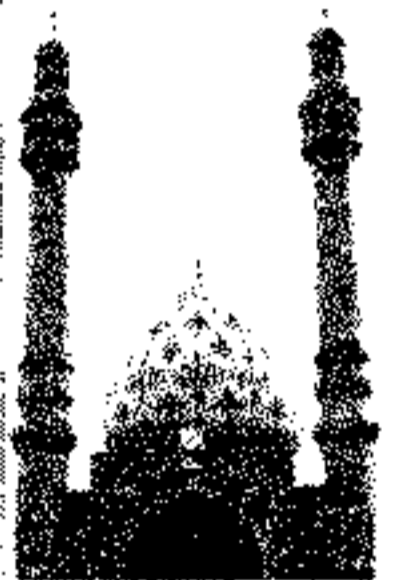
این دعا را در شب نیمه شعبان بخوانید:

«اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا وَحُجَّتِكَ، وَمَوْعُودِهَا الَّتِي قَرَنْتَ إِلَىٰ فَضْلِهَا
فَضْلًا، فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ، نُورُكَ
الْمُتَالِقُ، وَضِيَاؤُكَ الْمُشْرِقُ، وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخِيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ،
جَلَّ مَوْلِدُهُ، وَكَرَّمَ مَحْتَدُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاؤُهُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ إِذَا أَنْ مِيعَادُهُ،
وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذِي لَا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا
يَضْبُو، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَنَوَاصِيسُ الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مَا يَنْزَلُ فِي
لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ وَحِيَه، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ.

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَىٰ خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنْ عَوَالِمِهِمْ، وَادْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ،
وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ، وَاكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَ
خُلَصَائِهِ، وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ، وَمِنْ الشُّوْءِ
سَالِمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا
مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ، وَعِشْرَتِهِ النَّاطِقِينَ،
وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ، وَاحْكُمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ؛

خدایا، به حق امشب ما و مولود آن و حجت تو و وعده داده شده
آن، که برتری دیگری بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته کردی؛ پس
کامل گردید کلمه تو به راستی و عدالت که دگرگون کننده ای برای

در کتاب نجوم الثاقب



امام زمان (عج)
در کتاب نجوم الثاقب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلمات تو نیست و نه پس زنده‌ای بر آیات نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو و پرچم نور در تاریکی شب سیاه [که جمالش] پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوهمند و نژادش شریف است و فرشتگان شاهدان اویند و خداوند یاری کننده و تأیید کننده اوست؛ هنگامی که زمان وعده‌اش فرا رسد و فرشتگان مددکار اویند. او شمیر خداوندی است که کند نمی‌شود و نور خداوندی است که هرگز خاموش نگردد و صاحب بردباری است که خشمش را مهار می‌کند. محور و مرکز چرخش روزگار و ناموس‌های زمانه و کارداران فرمان الهی و کسانی است که ذکر یعنی قرآن بر ایشان نازل گشته و آنچه در شب قدر نازل گردد و صاحبان گردآوری و پراکندگی، بیان کننده پیام آسمانی او و عهده‌داران امر و نهی او هستند. بار خدایا، بر آخرین و قیام کننده ایشان درود بفرست که از عوالم ایشان پوشیده است و ما را موفق به درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان و ما را از یاران آن حضرت قرار بده و خون‌خواهی ما را به خون‌خواهی او پیوسته گردان و [نام] ما را در گروه یاران و مخلصان بی‌آلایشان بنویس و ما را در دولت آن حضرت برخوردار از نعمت زنده بدار و به همراهی او بهره‌مند و به ادای حقش پا برجا و از بدی نیز برکنار بدار؛ ای مهربان‌ترین مهربانان! و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل بیت راستگو و عترت سخن‌گوی او باد. خدایا، همه ستمکاران را لعنت کن و خودت بین ما و آنان داوری کن؛ ای بهترین داوران!

دعای غریق

دعای غریق چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «زود به شما شبیه می رسد. پس بدون نشانه و راهنما و پیشوای هدایت کننده می مانید و در آن شبیه نجات نمی یابد مگر کسی که دعای غریق را بخواند».

عبدالله بن سنان به امام عرض کرد: دعای غریق چیست؟

امام صادق علیه السلام فرمود: بگو: «یا الله! یا رحمن! یا رحیم! یا مقلب القلوب! ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»؛ ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای دگرگون کننده دل ها، قلب مرا بر دین خودت ثابت و استوار کن.

عبدالله بن سنان گفت: «یا مقلب القلوب والأبصار ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».
امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند - عزوجل - مقلب قلوب و ابصار است؛ ولی آن چیزی را که من به تو بدان سفارش کردم بگو: «یا مقلب القلوب! ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

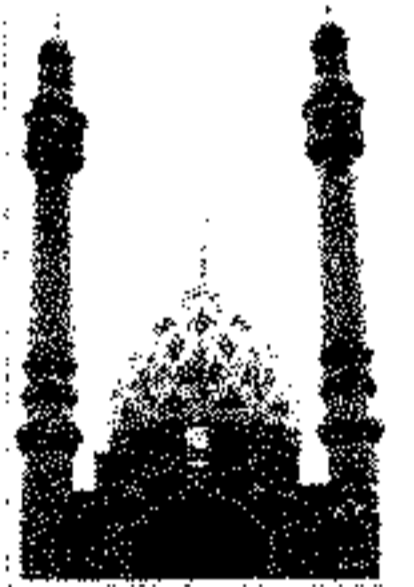
زیارت امام علی علیه السلام

امام زمان علیه السلام چگونه امام علی علیه السلام را زیارت می کند؟

سید بن طاووس رحمه الله در «جمال الاسبوع» روایت کرده است: شخصی می گوید: صاحب الزمان علیه السلام را در روز یکشنبه دیدم که حضرت علی علیه السلام را زیارت می کرد و این دعا را می خواند:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالذُّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ
الْمُونَعَةِ بِالإِمَامَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِّينَ
بِقَبْرِكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ وَأَنَا ضَيْفُكَ

مهدی
وآل محمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب



فِيهِ وَ جَارُكَ فَأَضْفِنِي يَا مَوْلَايَ وَ أَجْرُنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ وَ مَأْمُورٌ
بِالْإِجَابَةِ فَأَفْعَلْ مَا رَغِبْتَ إِلَيْكَ فِيهِ وَ رَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَ آلِ بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَ
مَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَ بِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درود بر درخت پاکیزه نبوت پیامبر و برگه‌ها درخت دودمان
هاشم باد؛ درختی نورانی و پر بار از وحی و نبوت که با [گل‌ها و
ریاحین] امامت آراسته است و سلام بر همجوار تو حضرت آدم و
نوح علیهم‌السلام. سلام بر تو و خاندان پاک و پاکیزه تو. سلام بر فرشتگانی که در
اطراف قبر مقدس تو در پرواز و طواف‌اند. ای مولای من و ای امیر و
پیشوای اهل ایمان، امروز روز یکشنبه و روز شماس است که به نام شما
نام‌گذاری شده و من در این روز میهمان تو و پناهنده به تو هستم. از من
پذیرایی کن و مرا پناه ده؛ زیرا تو کریم هستی و میهمان‌داری را دوست
می‌داری و نیز مأموری که بی پناهان را پناه دهی، پس درباره من چنین
فرما و آنچه را می‌خواهم به من عطا کن. استدعایم را به پاس مقام و
منزلت خود و عزیزانت در پیشگاه خداوند و منزلت پروردگار و
پسر عم گرامی‌ات رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اجابت فرما.

آداب زیارت حضرت حجت علیه‌السلام

چگونه حضرت حجت علیه‌السلام را زیارت کنیم؟

مداومت بر عمل نیک، عبادت، چهل روز گریه و ناله به نیت زیارت
حضرت مهدی علیه‌السلام، چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفتن، زیارت
سیدالشهدا علیه‌السلام در چهل شب، مداومت بر دعا در چهل روز، مواظبت بر
غذای حلال و حرام در مدت چهل شب یا چهل روز که البته باید در
تمام طول سال باید بر غذا و لقمه حلال و حرام مداومت و مواظبت

داشته باشد و همچنین ایمان و شناختن حق ائمه علیهم السلام و معتقد بودن به امامت دوازده امام علیهم السلام.

زیارت معصومان علیهم السلام در خواب

آیا معصومان علیهم السلام را می توان در خواب زیارت کرد؟

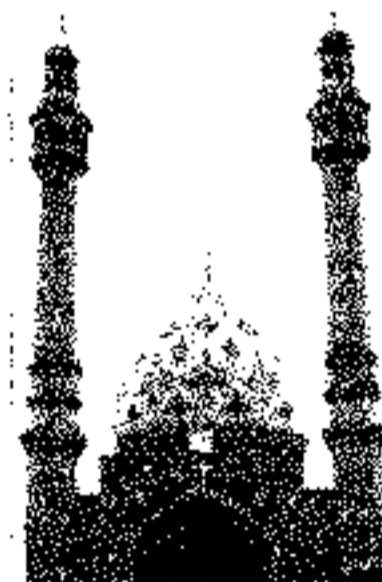
بله! شیخ مفید در «اختصاص» روایت کرده است: موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: «هر که درخواستی از خداوند تبارک و تعالی دارد و اراده کرده که ما را ببیند و مقام و مرتبه خود را بداند، پس ابتدای شب غسل کند و با ما مناجات کند؛ یعنی والله العالم که با خدای تعالی به توسط ما مناجات کند به اینکه قسم دهد او را به حق ما و متوسل شود به او به وسیله ما که ما را به او نشان دهد و بنمایاند و مقام او را نزد ما به او نشان دهد. او ما را خواهد دید و خدا به سبب ما او را می آمرزد و جایگاه و محل او پوشیده نمی شود.

سید بن طاووس در «فلاح السائل» روایت کرده است: برای دیدن امیرالمؤمنین علیه السلام در خواب، این دعا را هنگام خوابیدن بخوانید:

اللهم انى اسئلك يا من لطفه خفى و اياديه باسطة لا تنقضى اسئلك
بلطفك الخفى الذى ما لطفت به لعبد الا كفى ان ترينى مولاي على بن
أبي طالب عليه السلام فى منامى

پروردگارا، درخواست می کنم از تو، تویی که لطفت پنهان و دستت باز و پایان ناپذیر است. درخواست می کنم به لطف پنهانی تو، آن لطفی که اگر شامل بندهات نگردانی کفایتش نخواهد کرد؛ مگر آنکه مولایم علی علیه السلام را در خواب نشانم بدهی.

مهدی
قال محمد



امام زمان
در کتاب نجم الناف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِقَوْلِهِ خَيْرٌ مِنْكُمْ وَنُذِرُكُمْ

فصل چہارم

کرامات حضرت مہدی علیہ السلام

امام زمان علیہ السلام
در کتاب نجم الناقب



کرامات حضرت مهدی علیه السلام

لطفاً چند کرامت حضرت مهدی علیه السلام را برای خوانندگان عزیز بیان کنید.

۱. کرامت اول

سید محمد حسینی در «الربعین» خود که آن را «کفایة المهتدی» نام نهاده، از کتاب «غیبت» حسن بن حمزه علوی طبری مرعشی - که به گفته شیخ طوسی، فاضل، ادیب، عارف، فقیه، زاهد و ... بوده - نقل کرده است:

برای ما مردی صالح از دوستان ما که شیعه دوازده امامی بود بیان کرد: سالی، از سال‌ها به اراده حج بیرون رفتم و در آن سال هوا بسیار گرم بود. از قافله جدا شدم و راه را گم کردم و از نهایت تشنگی از پای درآمدم و بر زمین افتادم که نزدیک بود روح از جانم بیرون برود.

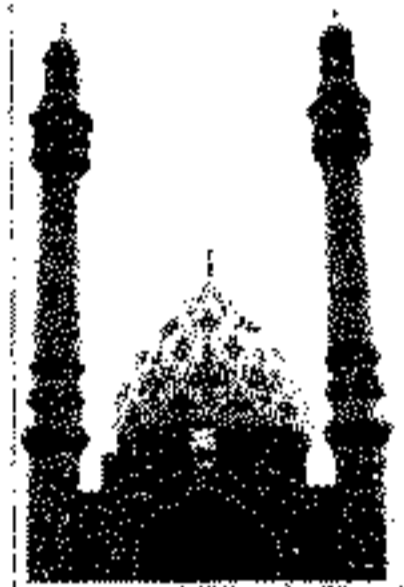
در این هنگام، صدای شیئه اسبی به گوشم رسید؛ چشمم را باز کردم، جوانی دیدم خوشرویی و خوشبوی بر اسبی شهباسوار و آن جوان، آبی به من داد که از برف خنک‌تر و از عسل شیرین‌تر و با خوردن آن آب، از مرگ نجات یافتم.

گفتم: ای آقای من، شما چه کسی هستید که این لطف و مرحمت را درباره من کردی؟

فرمود: «منم حجّت خدا بر بندگان خدا و بقیة الله در زمین او؛ کسی که زمین را از عدل پر خواهم کرد، آن چنان که از ظلم پر شده باشد؛ فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام».

سپس فرمود: «چشم‌هایت را ببند». چشم‌هایم را بستم. دوباره فرمود: «چشم‌هایت را باز کن». چشم‌هایم را باز کردم، خودم را در

مهدی
فالمهدی



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

مقابل قافله و کاروان خودم دیدم. سپس آن حضرت از نظرم غایب شد و ایشان را ندیدم.

۲. کرامت دوم

شیخ فضل بن حسن طبرسی، نویسنده «تفسیر مجمع البیان»، در «کنوز النجاح» نقل کرده است: این دعا را حضرت صاحب الزمان - صلوات الله علیه - در خواب به ابی الحسن، محمد بن احمد بن الیث در شهر بغداد که از ترس کشته شدن به مقابر قریش گریخته و پناه برده بود و از برکت خواندن این دعا از کشته شدن نجات یافته بود، یاد داد:

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى وَ عَلَيْكَ الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ، اللَّهُمَّ فَصَلْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَايَ وَ انصُرَانِي فَإِنَّكُمَا نَاصِرَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي أَذْرِكْنِي

خدایا، گرفتاری بزرگ شده، و پنهانی، دور؛ امید، بریده شد؛ پرده، برداشته؛ پهنای زمین، تنگ گشت؛ آسمان دریغ کرد؛ هر شکایتی به سوی توست؛ در گرفتاری، سختی و سستی، اعتماد بر توست. پس بر محمد و خاندان او درود فرست و صاحبان امر که اطاعت آنان را بر ما واجب کردی و مقام آنان را به ما شناساندی، پس به حق منزلت و قدر آنان که به ما گشایشی زودتر و نزدیک چون چشم به هم زدن یا زودتر عطا فرما. ای محمد، ای علی، شما مرا سرپرستی کنید که سرپرستی شما مرا کافی است و مرا یاری کنید که شما یاران من هستید. ای مولای من،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ای صاحب الزمان، فریادرس! فریادرس! مرا دریاب! مرا دریاب! مرا دریاب!

۳. کرامت سوم

سید محمد باقر از جناب میرزا محمد تقی الماسی نقل کرده است: یکی از صالحان مورد اطمینان گفت:

در یکی از سال‌ها که گروهی از مردم بحرین تصمیم گرفتند به نوبت به جمعی از مؤمنان غذایی بدهند، این اطعام دادن ادامه داشت تا نوبت به یکی از این افراد که پولی نداشت، رسید. او که از نداشتن پول، خیلی ناراحت و افسرده بود، شبانه به بیابان رفت. شخصی در بیابان به او گفت: «برو نزد فلان تاجر و بگو: محمد بن الحسن علیه السلام می گوید: دوازده اشرفی که آن را برای ما نذر کرده بودی، به من بده. پس آن اشرفی‌ها را از او بگیر و آن را در مهمانی خود خرج کن.»

مرد نزد تاجر رفت و کلام آن بزرگوار را به تاجر رساند. تاجر تا این جملات را از این شخص شنید، گفت: «این کلمات را محمد بن الحسن علیه السلام خودش به تو گفت؟!»

مرد گفت: بلی!

تاجر سؤال کرد: او را شناختی؟

مرد گفت: نه، او را نشناختم!

تاجر گفت: او صاحب الزمان علیه السلام بود و من این اشرفی‌ها را برای او نذر کرده بودم.

تاجر، آن مرد بحرینی را اکرام کرد و آن مبلغ را به او داد و از او خواهش کرد که حالا چون مولایم صاحب الزمان علیه السلام نذر مرا قبول کرد،

فهرست
فصل اول



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم‌النائب



نصفی از آن اشرفی‌ها را به من می‌دهی و من عوض آن را به تو بدهم.
بحرینی هم [قبول کرد و در آخر] پول را گرفت و برای مهمانی‌اش
خرج کرد.

۴. کرامت چهارم

سید فضل‌الله راوندی در کتاب «دعوات» از مرد صالحی نقل کرده است:
برخی شب‌ها برای بیدار شدن برای نماز مشکل داشتم. این مرا
ناراحت می‌کرد. پس مولایم صاحب‌الزمان علیه السلام را در خواب دیدم که به
من فرمود:

«بر تو باد به آب کاسنی! خداوند [با خوردن کاسنی] این کار را بر
تو آسان می‌کند».

آن شخص گفت: من آب کاسنی را بسیار خوردم و بیدار شدن
برای نماز بر من آسان گشت.

۵. کرامت پنجم

شمس‌الدین محمد بن قارون رضی الله عنه گفت:

در حله، حاکمی بود که او را مرجان صغیر می‌گفتند و او از ناصبیان
بود. به او اطلاع دادند شخصی به نام ابوراجح به صحابه پیامبر لعن
می‌فرستد. دستور داد ابوراجح را نزدش بیاورند. او آمد. فرمان داد او را
به خاطر لعن به صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله که خلفای اهل سنت بودند، بزنند و
آنقدر کتک و لگد به اعضای بدن، خصوصاً صورت، او زدند که
دندان‌هایش افتاد. زبان او را از دهان مبارکش بیرون آوردند و به زنجیر
آهنی بستند. بینی او را سوراخ کردند. ریسمانی از موی را داخل سوراخ
بینی او کردند. سر آن ریسمان موین را به ریسمان دیگر بستند و سر آن

تفسیر
در کتاب
نجم
الناقب

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم‌الناقب

ریسمان را به دست گروهی از زیردستان خود داد و به آنان دستور داد با آن جراحی که به او وارد کرده‌اید در کوچه‌های شهر حله بگردانند و در آن جا هم او را جلوی چشم مردم بزنند.

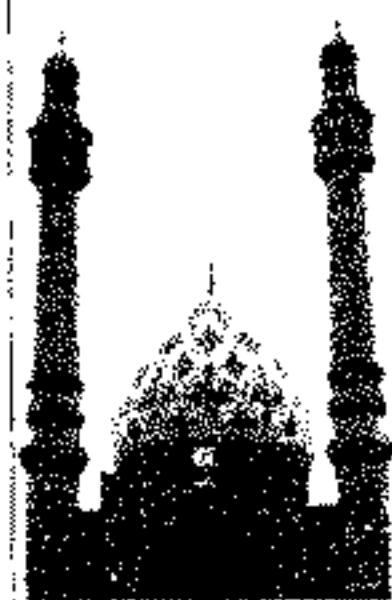
زیردستان او را آن قدر زدند که نزدیک به مرگ شد. خبر به حاکم دادند. حاکم دستور به قتل او داد. آنان به حاکم گفتند: ابوراجح مردی پیر است. آن قدر او را زده‌ایم که باعث کشتن او خواهد شد. از شما درخواست می‌کنیم خودتان را درگیر این مسئله نکنید تا در چشم و زبان مردم، خون او به گردن شما نیفتد.

حاکم از سخنان آنان خشنود شد و از کشتن او دست برداشت. او را به همان حال وا گذاشتند تا اینکه به خانواده‌اش اطلاع دادند که او را از آن جا ببرند. خانواده‌اش چنین کردند. آنان تا این وضع را مشاهده کردند، دریافتند او تا صبح دوام نخواهد آورد و از دنیا می‌رود. صبح شد. مردم که روز قبل صحنه بی‌احترامی‌اش را دیده بودند، به منزلش آمدند تا از وضعیت جسمانی او اطلاعی پیدا کنند که آیا زنده است یا مرده.

در خانه‌اش را زدند، وارد منزلش شدند. او را در حالی که مشغول نماز خواندن بود و بدنش سالم و دندان‌های ریخته‌اش به حالت اول برگشته و جراحی و زخم‌هایش خوب شده و اثری از آن جراحی‌ها و شکستگی‌های بدنش نبود، مشاهده کردند.

مردم از این وضعیت تعجب کردند و منتظر ماندند تا نمازش تمام شد. علت را از او جویا شدند. گفت: «من به وضعی رسیدم که مرگ را جلوی چشم‌هایم مشاهده می‌کردم. در دل خود با آن زبان بی‌زبانی از

مردی که او را زده‌ایم



امام زمان (عج)
در کتاب نجم‌الناقب



خدای خودم خواهش و درخواست کردم و همچنین از مولای خودم صاحب الزمان علیه السلام طلب دادرسی نمودم و چون شب شد، دیدم که خانه‌ام پُر از نور شد.

ناگاه حضرت صاحب الزمان علیه السلام را مشاهده کردم که دست شریف خود را به روی من کشید و فرمود: «بیرون برو و برای خود کار کن! خدا به تو عافیت داده است».

محمد بن قارون می‌گوید: قسم به خدا، هر وقت حمام می‌رفتم، ابوراجح را مردی ضعیف‌اندام و زردرنگ بدقیافه و بدون محاسن مشاهده می‌کردم؛ اما از فردای آن روز، مردی صاحب قوّت و درست‌اندام، دارای محاسن بلند و سرخ‌گون و مانند جوانی بیست ساله مشاهده کردم تا اینکه با همین اوصاف از دنیا رفت.

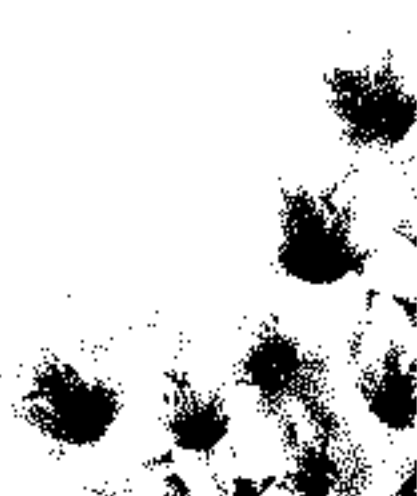
۶. کرامت ششم

شمس‌الدین محمد بن قارون می‌گوید:

مردی در روستای دقوسا - که از روستاهای کنار رودخانه فرات بزرگ بود - زندگی می‌کرد که نامش نجم و لقبش اسود و از مردان با فضیلت بود و همسری به نام فاطمه داشت که زنی مهربان و خیر بود و دو فرزند به نام‌های علی و زینب داشتند. زن و شوهر به دلایلی نابینا شده بودند.

در یکی از شب‌ها، همسر نجم، مشاهده کرد دستی روی او کشیده شد و گوینده‌ای به او گفت: «خدا نابینایی را از تو برداشت. برخیز و به شوهر خود ابوعلی خدمت کن و در خدمت کردن به او کوتاهی نکن».

عقیده
حیرت‌انگیز
و
عجیب



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم‌الناقب

زن گفت: من چشمم را باز نمودم. خانه را پر نور دیدم. فهمیدم که گوینده این صدا حضرت قائم علیه السلام است.

۷. کرامت هفتم

محبی الدین اربلی می گوید:

من نزد پدر خود بودم و مردی همراه او بود و او را چرت گرفت. عمامه از سر آن مرد افتاد و جای ضربت شمشیر در سر او معلوم گشت. پدرم از آن شخص در مورد جایگاه ضربت خوردن شمشیر سؤال کرد.

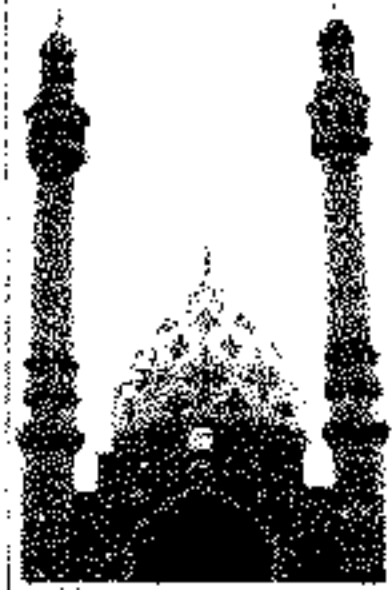
گفت: این ضربه از صفین است.

پدرم گفت: جنگ صفین در زمان قدیم اتفاق افتاده و تو در آن زمان نبودی.

گفت: من به سوی مصر سفر کردم و مردی از قبیله غره با من رفیق شد. در میان راه با هم صحبت می کردیم که من جنگ صفین را به او یادآوری کردم و به راه خودمان ادامه می دادیم. آن رفیق گفت: اگر من در جنگ صفین حاضر بودم، شمشیر خود را از خون علی علیه السلام و اصحاب او سیراب می کردم.

من در جواب بی ادبانه او چنین گفتم: اگر من در آن روز بودم، شمشیر خود را از خون معاویه و اصحاب او سیراب می کردم و این را بدان که من از اصحاب علی علیه السلام هستم و تو از اصحاب معاویه ای. با گفتن این جملات، با هم دعوا کردیم و همدیگر را آسیب بسیاری رساندیم و من بر اثر شدت جراحت ها نقش بر زمین شدم و بی هوش گشتم. ناگهان مردی را دیدم که با سر نیزه خود مرا بیدار می کند. چشمم را گشودم. آن مرد از مرکب (اسب) پایین آمد و دست به جراحت های من مالید و

محدثی
فائل محمدی



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب

همان لحظه خوب شدم و سلامتی ام را به دست آوردم. فرمود: «چند لحظه صبر کن».

از چشمم دور شد. بعد از لحظاتی، در حالی که سر آن رفیق من و مرکبش در دستش بود، برگشت و به من فرمود: «این سر دشمن توست، تو ما را یاری کردی، ما تو را یاری کردیم و خداوند هرکس او را یاری کند، یاری می کند».

عرض کردم: شما چه کسی هستید؟

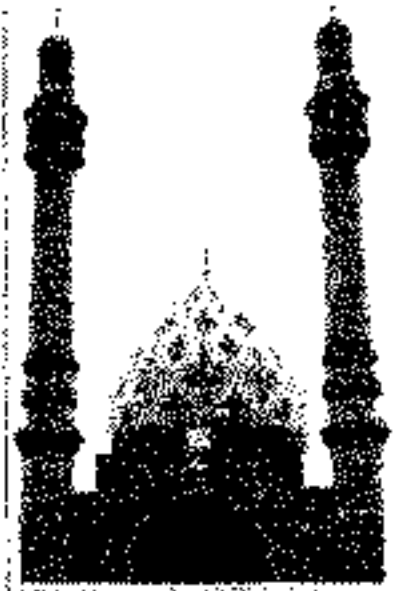
فرمود: «من حضرت صاحب الزمان هستم».

سپس به من فرمود: «هرکس از بابت این ضربت شمشیر از تو سؤال کرد، بگو این ضربت صفین است».

۸ کرامت هشتم

در «بحار الانوار» آمده است: مردی از اهل کاشان که عازم حج بیت الله الحرام بود، وارد نجف اشرف شد و در آنجا مریض گشت به حدی که پاهای او خشک شد و قدرت راه رفتن نداشت. دوستانش او را نزد یکی از صالحان که حجره‌ای در صحن مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام داشت، گذاشتند و رفتند. آن مرد صالح از این مریض پذیرایی می کرد تا اینکه روزی مرد کاشانی به این صالح گفت: از اینکه در این حجره هستم خسته شده‌ام. مرا بیرون ببر و در جایی بگذار و خودت به دنبال کارهایت برو.

سرانجام مرد صالح به این کار رضایت داد و او را در بیرون شهر، به مقامی که آنجا را مقام حضرت قائم علیه السلام می گفتند، گذاشت و لباس های خود را از تن درآورد و آن را شست و بالای درختی آویزان کرد و سپس با پیراهنی دیگر که در تن داشت به سوی کار خویش روانه شد.



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

مرد کاشانی بعد از رفتن آن مرد صالح به عاقبت کارش فکر می کرد که به کجا منتهی می گردد. او جوان خوشرو و گندم گونی را دید که داخل آن صحن شد و به او سلام کرد و به محراب عبادت به نماز پرداخت، نمازی که همراه خضوع و خشوع بود. نماز او که تمام شد، نزد مرد کاشانی آمد و از احوال او سؤال کرد. مرد کاشانی به جوان گفت: من به بلایی مبتلا شدم که سینه من از آن تنگ شده و خدا مرا عافیت نمی دهد تا آنکه سالم گردم و مرا از دنیا نمی برد تا آنکه خلاص و رهایی یابم.

جوان گفت: «ناراحت نباش. به زودی خداوند هر دو را به تو عطا می کند» و از نظرش غایب شد.

مرد کاشانی می گوید: چشمم به پیراهنی افتاد که دوستم به درخت آویزان کرده بود. پیراهن از روی درخت بر زمین افتاده بود. از جای خود برخاستم و آن را شستم و سپس آویزان کردم. با خود کمی فکر کردم و گفتم: من که مریض بودم و نمی توانستم از جای خود بلند شوم. چه شد که از جای خود بلند شدم و راه می روم؟! به خود و اعضای بدنم نگاه کردم، هیچ گونه درد و مرضی در خود ندیدم. فهمیدم که آن جوان خوش روی گندمگون، حضرت قائم علیه السلام بود که خدا به برکت آن بزرگوار و کرامت او، مرا عافیت و سلامتی داده است.

به دنبال آن جوان گشتم؛ ولی پیدایش نکردم، بسیار ناراحت و پشیمان شدم که چرا آن حضرت را نشناختم.

آن رفیق صالح ما از بیرون به دیدن و عیادت من آمد، از احوالم جویا شد و ماجرا را برایش تعریف کردم و او همچنان در حسرت دیدار با امام زمان خود می سوخت.



بیتنا
حجرتنا
مکه ما

مرد کاشانی با او به حجره‌ای که در صحن مقدس داشت رفتند تا آنکه دوستان او از سفر حج برگشتند و چند روز با آنان بود تا اینکه مریض شد و از دنیا رفت و او را در صحن مقدس به خاک سپردند و دو علامتی که حضرت بقیة الله علیه السلام در مورد عافیت و از دنیا رفتنش داده بود، به صحت پیوست.

۹. کرامت نهم

قطب راوندی در «خرایج» از ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه نقل می‌کند:

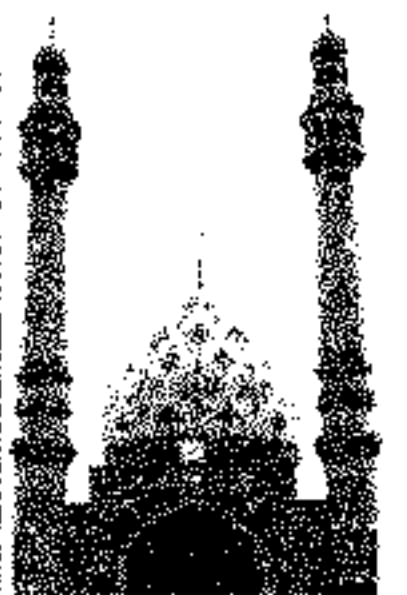
در سال ۳۳۷ ق. که قرامطه، حجرالاسود را به جای خود بردند من به بغداد رسیدم و تمام همتم این بود که خود را به مکه برسانم و ببینم چه کسی این سنگ را در جای خود قرار می‌دهد؛ زیرا در کتاب‌های معتبر دیده بودم کسی که حجرالاسود را در جایگاهش قرار می‌دهد، باید امام وقت و معصوم باشد، چنان که امام زین العابدین علیه السلام در زمان حجاج آن را نصب کرده بود.

در آن زمان مریض شدم و یقین پیدا کردم که به مکه نمی‌توانم بروم و شخصی به نام ابن هشام را نایب گرفتم و نامه‌ای نوشتم و سر آن را مهر زدم و بستم و در آن نامه نوشته بودم که آیا از این مریضی خلاصی پیدا می‌کنم یا از دنیا خواهم رفت و به ابن هشام هم دستور مؤکد دادم کسی که حجرالاسود را در جایگاه خودش قرار می‌دهد، باید این نامه را به او بدهی و در این کار هم کوتاهی نکن. ابن هشام گفت: به مکه رسیدم. خادمان را دیدم که می‌خواهند حجرالاسود را نصب کنند. در این موقع به چند نفر مبلغی پول دادم که در موقع نصب حجرالاسود مرا با خبر کنند و مزاحم من هم نشوند. آنان هم قبول کردند.

گروه گروه از خادمان و قبایل می آمدند تا حجرالاسود را نصب و در جایگاه خود قرار دهند؛ ولی به این امر مهم موفق نمی شدند و حجرالاسود می لرزید و در جایگاه قرار نمی گرفت تا آنکه جوانی گندمگون و خوشروی آمد و به تنهایی حجرالاسود را برداشت و در جایگاهش گذاشت و سپس از میان مردم رفت و من این صحنه را مشاهده کردم. پشت سرش به راه افتادم. دیدم ایستاد و به من فرمود: «آن نامه را به من بده». نامه را دادم، بدون آنکه به آن نگاه کند، فرمود: در این بیماری ترسی بر او (ابوالقاسم) نیست و از مرگ هم نمی شود فرار کرد. مرگ او در سال ۳۶۷ ق. فرا خواهد رسید.

عبدالرحمن بن ابی بکر

از لحن و صحبت او نمی توانستم حرفی بزنم و رفت. این خبر به ابوالقاسم جعفر بن محمد قولویه رسید و تا آن سال زنده بود. در آن سال هم وصیت کرد و کفن و قبر خود را مهیا کرد و منتظر روز موعود شد تا اینکه بیمار گشت.



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

دوستان به عیادتش می آمدند و می گفتند: «ناراحت نباش! به زودی شفا پیدا می کنی. بیماری ات آن قدرها هم نیست که تو را از پای درآورد.

ابوالقاسم گفت: نه! چنین نیست، وعده ای که به من داده اند، رسیده است و مرا بعد از این بیماری، هیچ امیدی به زنده ماندن نیست و در همین مریضی و بیماری بود تا اینکه روح از جانش بیرون آمد و از دنیا رفت.

۱۰. کرامت دهم

شیخ حُر عاملی در «اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات» می نویسد:

مادر روز عیدی در شهر خودمان در روستای مشغرا با جمعی از



طلاب اهل علم نشسته بودیم و من روبه جماعت اهل علم گفتم:
ای گاش می دانستم که در آینده کدام یک از این جماعت زنده‌اند و
کدامشان از دنیا می‌روند!

دوستی داشتم که در درس با هم مباحثه می‌کردیم به نام شیخ
محمد که او گفت: من می‌دانم که عید آینده زنده‌ام و همچنین اعیاد
دیگر تا ۲۶ سال و با گفتن این جملات فهمیدم که شیخ محمد در این
حرفش مزاح و شوخی نمی‌کند و راست می‌گوید.

به او گفتم: مگر تو علم غیب می‌دانی؟!

گفت: نه! ولی من به مریضی سختی مبتلا بودم و می‌ترسیدم که از
این بیماری بمیرم در حالی که هیچ عمل صالحی نداشتم که با آن عمل،
خدا را ملاقات کنم. مولایم حضرت مهدی علیه السلام را در خواب دیدم، به من
فرمود: نترس! خداوند تو را از این مریضی شفا می‌دهد و از این
مریضی و بیماری هم از دنیا نمی‌روی و ۲۶ سال هم زندگی خواهی
کرد. آن‌گاه از ظرفی که در دستش بود، نوشیدم و با نوشیدن آن بیماری‌ام
از بین رفت و شفا گرفتم و دانستم که این کار، کار شیطان نیست؛ بلکه
عنایت خودِ امام معصوم علیه السلام است و بس.

من تاریخ این جریان را نوشتم و مدتی گذشت که من به
مشهدالرضا علیه السلام سفر و کوچ کردم. سال‌ها گذشت تا اینکه به یاد سخن
شیخ محمد افتادم که آیا او هنوز زنده است یا از دنیا رفته؟

یکی - دو ماهی نگذشته بود که نامه‌ای از برادرم به دستم رسید
و خبر رحلت شیخ محمد به دستم رسید و دانستم که آن خواب،
خواب صادقانه بوده و آنچه امام علیه السلام به او وعده داده بود، به تحقق
پیوست.

پیشانی
بزرگوار
مومنین

امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم‌التاقب

۱۱. کرامت یازدهم

شیخ حُر عاملی می نویسد:

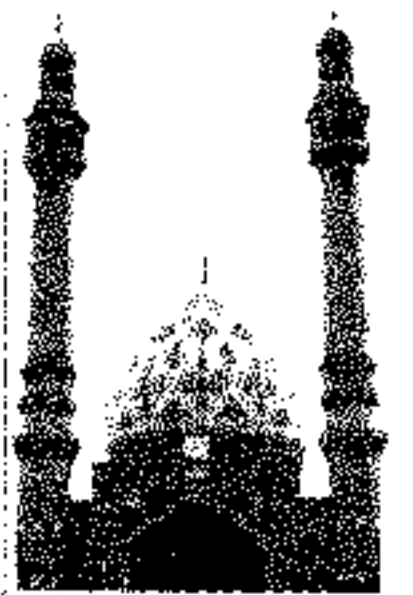
من در کودکی در حالی که ده سال از عمرم می گذشت به بیماری سختی مبتلا گشتم به طوری که تمام اقوام و دوستان کنارم جمع شده بودند و گریه می کردند و مہیای عزاداری می شدند و یقین می دانستند که من از دنیا خواهم رفت و من در میان خواب و بیداری، پیامبر خدا ﷺ و دوازده امام ﷺ را دیدم. به یکایک آنها سلام کردم و با آنان مصافحه کردم و سخنی هم بین من و امام صادق (ع) رد و بدل شد و آن حضرت در حق من دعا کرد، سپس نوبت به امام عصر (ع) رسید، به ایشان سلام کردم و با حضرت مصافحه کردم، گریه کردم و گفتم: ای مولای من، می ترسم در این بیماری از دنیا بروم و به علم و عمل دست پیدا نکنم. آن حضرت فرمود: نترس! تو در این بیماری از دنیا نخواهی رفت؛ بلکه خداوند متعال تو را شفا می دهد و عمر طولانی عطا خواهد نمود. آن گاه ظرفی را که در دستش بود به من داد. از آن نوشیدم و شفا یافتم و از جای خود بلند شدم. خانواده، اقوام و کسانی که در کنار من منتظر مرگم بودند، این وضعیت و معجزه را دیدند تعجب کردند و من بعد از چند روز آنچه را در خواب و بیداری مشاهده کرده بودم به آنان گفتم.

۱۲. کرامت دوازدهم

محدث جزایری، معروف به سید نعمت الله جزایری، در کتاب «انوار النعمانیه» می نویسد:

مقدس اردبیلی شاگردی عالم، فاضل و جلیل به نام میر علام

مهدی
قال محمد



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

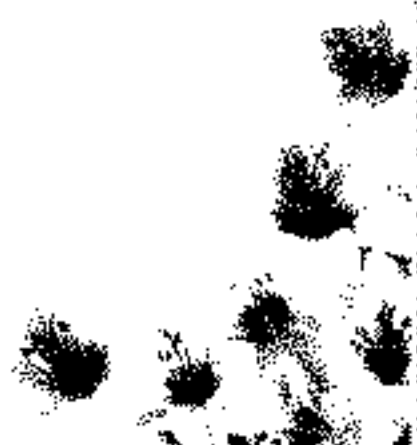
داشت که در نهایت فضل و ورع بود. وی برایم چنین تعریف کرد:

حجره‌ای داشتم که به قبه شریفه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام متصل بود. شبی از حجره بیرون آمدم و به اطراف صحن مبارک نگاه کردم. در آن لحظات مردی را مشاهده کردم که به طرف قبر مطهر می‌رود. با خود گفتم: شاید این دزد باشد، آمده که وسایل حضرت و قندیل‌ها را بدزدد و ببرد.

سریع خودم را به آن مرد رساندم؛ او مرا نمی‌دید. دیدم نزدیک در مطهر حضرت ایستاده. قفل‌ها بدون کلید برایش باز شدند و تمامی درها بدون اینکه کلیدی به آن بزند، باز شدند و به قبر مطهر رسید. سلام کرد و از کنار قبر مطهر رد شد. صدایش را شناختم که با شخصی در مسئله‌ای علمی سخن می‌گفت و سپس از حرم بیرون آمد و به خارج از شهر به سمت مسجد کوفه حرکت کرد. به مسجد کوفه رسید، وارد محراب شد و باز متوجه شدم او با کسی در همان مسئله سخن می‌گوید. سپس برگشت و من پشت سر او می‌رفتم. او متوجه من نشده بود. وقتی به دروازه ولایت رسید، صبح شده بود. خودم را به او معرفی کردم، گفتم: ای آقای من، من از زمانی که شما داخل روضه مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام شدی تا کنون، با شما بودم. شما را قسم می‌دهم به صاحب قبر که مرا بر آنچه در این شب برای شما اتفاق افتاده از اول تا آخر مطلع گردانی.

گفت: به شرطی به تو می‌گویم که تا زمانی که من زنده‌ام به کسی

نگویی مگر آنکه از دنیا رفته باشم.

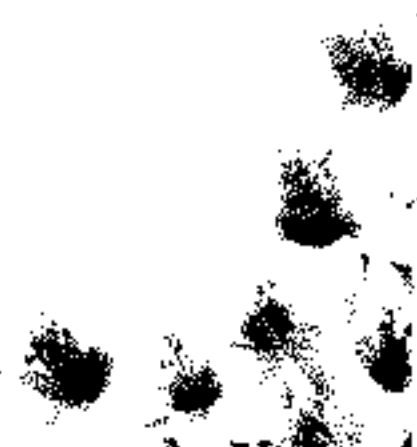




بِقَوْلِهِمْ
حَمْدُكَ يَا
مَوْلَانَا
وَيَا
مَوْلَانَا

فصل پنجم

معرفی کتاب



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب



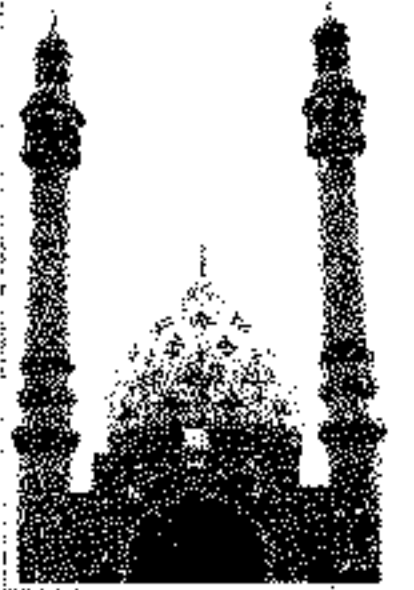
معرفی کتاب‌هایی درباره غیبت

حضرت استاد، آیا شما می‌توانید چند کتاب را که در مورد غیبت امام عصر
- ارواحنا له الفداء - نوشته شده است معرفی نمایید؟

بله، به طور مختصر می‌توان به این کتاب‌ها که در دسترس است و بعضی
از ناشران ایران، نجف و لبنان آن را به چاپ رسانده‌اند اشاره کرد:

۱. «المهدی»، اثر ابی موسی عیسی بن مهران؛
۲. «غیبت»، اثر حسن بن حمزه العلوی الطبری المرعشی؛
۳. «الحجّة فی ابطاء القائم (علیه السلام)»، اثر ابی محمّد فضل بن شاذان نیشابوری؛
۴. «کمال الدین و تمام النعمة»، اثر شیخ صدوق؛
۵. «غیبت»، اثر شیخ مفید؛
۶. «غیبت»، اثر شیخ طوسی؛
۷. «بحار الانوار»، اثر علامه مجلسی، جلد سیزدهم و رساله «رجعت»، اثر
علامه مجلسی؛
۸. «کفایة المهتدی فی احوال المهتدی»، اثر سید محمّد بن محمّد لوحی
حسینی موسوی سبزواری؛
۹. «مولود قائم (علیه السلام)»، اثر سید هاشم توبلی بحرانی؛
۱۰. «محجة فیما نزل فی الحجّة (علیه السلام)»، اثر سید هاشم توبلی بحرانی؛
۱۱. «تبصرة الولی فیمن رأى القائم المهتدی (علیه السلام)»، اثر سید هاشم توبلی
بحرانی؛
۱۲. «عوامل»، اثر ملا کاظم هزار جریبی؛
۱۳. «جنة المأوی فیمن فاز بلقاء الحجّة (علیه السلام) فی الغیبة الكبرى»، اثر خودم.

فهرست
کتابخانه

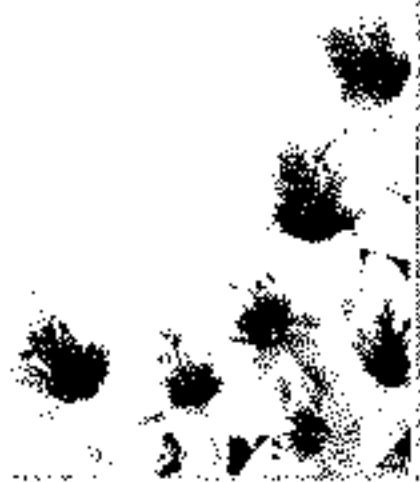


امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

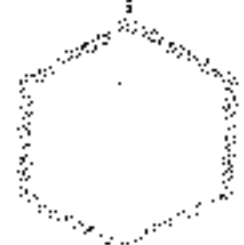


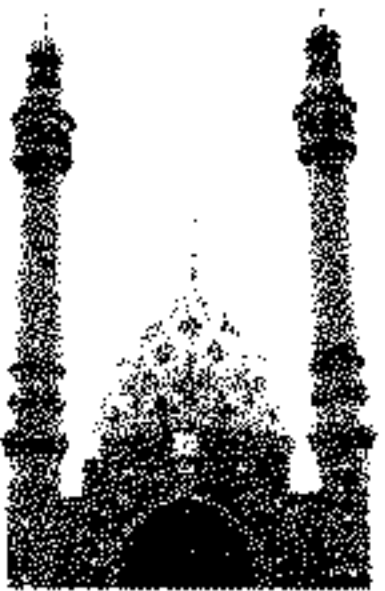
بِقِيَّةِ اللَّهِ خَيْرٌ لِّكُمْ مِنْ بَقِيَّةِ النَّاسِ

آزمون تستی برای مرور دوباره کتاب



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب





امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

۱. استاد محدث نوری در کجا به دنیا آمد؟

الف: روستای مشغرا در حله

ب: روستای یالو در نورمازندران

ج: روستای یالو در اراک

د: روستایی در اطراف کاشان

۲. علامه محدث نوری کتاب نجم الثاقب را به سفارش کدام مرجع

نوشت:

الف: میرزا محمد حسن شیرازی

ب: شیخ صدوق

ج: شیخ سید محمد اصفهانی

د: علامه مجلسی

۳. امام زمان (عج) در چه تاریخی به دنیا آمد؟

الف: شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۶ ق

ب: شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۷ ق

ج: شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق

د: شب جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۴ ق

۴. نام مادر امام زمان (عج) چیست؟

الف: ملیکه

ب: سوسن

ج: ریحانه و نرجس

د: همه موارد

۵. امام زمان (عج) در چند سالگی به امامت رسید؟

الف: هفت سالگی

ب: شش سالگی

ج: پنج سالگی

د: چهار سالگی

۶. آیه‌ای که حضرت حجّت (عج) بعد از تولد آن را قرائت کرد، کدام

است؟

الف: آل عمران، آیه ۱۷-۱۸

ب: آل عمران، آیه ۱۸-۱۹

ج: آل عمران، آیه ۱۹-۲۰

د: آل عمران، آیه ۱۵-۱۶

۷. امام زمان (عج) در شکم مادرشان کدام سوره را قرائت کرد؟

الف: کوثر

ب: توحید

ج: قدر

د: یاسین



۸. نَوَابِ خَاصِ حَضْرَتِ مَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ چَند نَفر بَودَند؟

الف: سه نفر

ب: چهار نفر

ج: پنج نفر

د: شش نفر

۹. مَردم چَهِ وظيفه‌ای نسبت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ دارند؟

الف: ناراحتی برای غیبت

ب: دعا جهت سلامتی امام عَلَيْهِ السَّلَامُ

ج: انتظار فرج

د: همه موارد

۱۰. مردم در زمان غیبت حضرت، چگونه از ایشان بهره‌مند می‌گردند؟

الف: مانند انتفاع آنان از ماه ...

ب: مانند انتفاع آنان از خورشید ...

ج: مانند انتفاع آنان از باران

د: هیچ‌کدام

۱۱. بهترین اعمال در روز جمعه چیست؟

الف: فرستادن صلوات و طلب نصرت و تعجیل فرج و ظهور آن حضرت

ب: دعا کردن برای حضرت

ج: خواندن زیارت عاشورا

د: خواندن جامعه کبیره

۱۲. چرا روز جمعه اختصاص به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ دارد؟

الف: چون امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ در روز جمعه به دنیا آمد

ب: چون روز جمعه عید مسلمانان است

ج: جمعه از نام‌ها یا لقب‌های حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است

د: همه موارد

۱۳. شعار اصحاب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ چیست؟

الف: یا قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

ب: یا لثارات الحسین

ج: یا صاحب الزمان

د: یا منتقم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
مَدَامُ زَمَانِ

امام زمان ع
در کتاب نجم الناقب

۱۴. اعمال بندگان در چه روزهایی بر امام عصر علیه السلام عرضه می شود؟

الف: شنبه و پنجشنبه

ب: پنجشنبه و جمعه

ج: دوشنبه و پنجشنبه

د: سه شنبه و پنجشنبه

۱۵. امام زمان علیه السلام این شعر را در رثای چه کسی سروده؟

لا صوت الناعی بفقدك إنه

یوم علی آل الرسول عظیم

الف: شیخ مفید

ب: سید بن طاووس

ج: علامه حلی

د: علامه مجلسی

۱۶. ثواب نماز خواندن در کدام مسجد مانند ثواب در خانه خدا است؟

الف: مسجد سهله

ب: مسجد النبی

ج: مسجد جمکران

د: مسجد کوفه

۱۷. دعای فرج امام زمان علیه السلام کدام است؟

الف: الهی عظم البلاء و برح الخفاء

ب: اللهم کن لولیک الفرج

ج: الف و ب

د: هیچ کدام

۱۸. ذکر تسبیح امام زمان علیه السلام از چه روزی شروع می شود و چه روز

خاتمه می یابد؟

الف: هجدهم الی بیست و پنجم ماه

ب: هجدهم تا آخر ماه

ج: هجدهم تا بیستم ماه

د: هجدهم تا بیست و هفتم ماه

۱۹. دعای غریق از کدام معصوم علیه السلام است؟

الف: امام باقر علیه السلام

ب: امام علی علیه السلام

ج: امام جواد علیه السلام

د: امام صادق علیه السلام

مهدی
فان محمد



امام زمان علیه السلام
در کتاب نجم الثاقب



پاسخنامه

نام و نام خانوادگی

شماره پرسنلی

تلفن

آدرس محل کار

تلفن همراه

شماره	الف	ب	ج	د	شماره	الف	ب	ج	د
۱					۱۱				
۲					۱۲				
۳					۱۳				
۴					۱۴				
۵					۱۵				
۶					۱۶				
۷					۱۷				
۸					۱۸				
۹					۱۹				
۱۰									

بیت الله حیدر علی رکنی مؤید

امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

حرف با روش

در پرتو آفتاب/هادی قطری

زندگی شخصیت الهی قرن ما، یعنی حضرت امام خمینی (ره) الگوی همیشگی و جاویدان، برای همه انسان‌ها در اخلاق، فضیلت جهاد، شجاعت و عدالت را بیان می‌کند. این کتاب خاطراتی از خاطرات به یادگار مانده از آن اسوه پرهیزگاری را بیان می‌کند که چراغی فروزان فرا روی انسانهای آزاده است.



قطع رقی/چاپ پنجم/۱۳۹۱م



حرف با روش

در سایه خورشید/هادی قطری

سلوک و منش بزرگان و برگزیدگان هر جامعه‌ای، الگوی مناسبی برای شیوه رفتار حاکمان و توده‌های مردم است. این اثر گوشه‌ای از زندگی و خاطراتی از مقام معظم رهبری را به رشته تحریر در آورده است که نشان می‌دهد ایشان با رفتار و منش خود در عرصه‌های گوناگون، توانسته است علم و اخلاق و سیاست و دیانت را در هم آمیخته و گوشه‌ای از سیره علوی را به نمایش در آورد.

قطع رقی/چاپ سیزدهم/۱۳۸۱م

حرف با روش

توصیه و هشدارها/حمید کمالی اردکانی

در عصر حاضر علما و اندیشمندان اسلامی علاوه بر معرفی خط اصیل اسلامی، همواره در اندیشه آفت زدایی از آن بوده‌اند. در میان متفکرین عصر حاضر شاید بتوان گفت علامه شهید مطهری به عنوان یک اسلام شناس بی نظیر، در صدد تحقق این وظیفه انسانی و اسلامی خود بوده است. این اثر گزیده‌ای از توصیه‌ها و هشدارهای استاد شهید مطهری (ره) در موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی بوده که از کتاب‌های مختلف ایشان استخراج شده است.



قطع رقی/چاپ اول/۱۳۶۴م



حرف با روش

توصیه و هشدارها/حمید کمالی اردکانی

در عصر حاضر علما و اندیشمندان اسلامی علاوه بر معرفی خط اصیل اسلامی، همواره در اندیشه آفت زدایی از آن بوده‌اند. در میان متفکرین عصر حاضر شاید بتوان گفت علامه شهید مطهری به عنوان یک اسلام شناس بی نظیر، در صدد تحقق این وظیفه انسانی و اسلامی خود بوده است. این اثر گزیده‌ای از توصیه‌ها و هشدارهای استاد شهید مطهری (ره) در موضوع‌های اخلاقی، اعتقادی و تربیتی بوده که از کتاب‌های مختلف ایشان استخراج شده است.

قطع رقی/چاپ اول/۱۳۶۴م

امام
علاء
الدين
ابو
الحسن
موسى
کاظم
الجبلى



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب



با غدیر و الغدیر / غلامرضا حیدری ابهری

واقعه غدیر از جهات گوناگونی در خور توجه است. تعداد حاضران در آن واقعه، صراحت لهجه پیامبر، موقعیت مکانی و زمانی خطبه غدیر، تاکیدات نهفته در جملات حضرت، واکنش اصحاب به جانشینی حضرت علی (ع)، بیعت فراگیر مسلمانان با امیر مومنان (ع) برخی از ویژگی های واقعه غدیر است. این اثر ضمن معرفی علامه امینی نویسنده کتاب الغدیر، نگاهی به واقعه غدیر و بررسی سند حدیث غدیر دارد و در قالب مصاحبه ای خیالی بین علامه امینی و حجت الاسلام غلامرضا حیدری ابهری آمده است.

قطع رقمی چاپ دوم / ۸۰ ص



خطبه حضرت رسول ﷺ در غدیر خم / مهدی صباغی

رسول معظم اسلام با بیان خطابه غرا و مهم غدیر، بر مبنای دسنور قاطع خداوند متعال در حق علی بن ابیطالب (ع) حجت را بر همگان تمام نمود و چنان شیرازه محکم و استواری برای آینده آتش تدارک دید که اگر نبود انکار لجاجانه و کتمان حسودانه دنیاپرستان عنود، هرگز مسلمین در طول تاریخ به سردرگمی و تفرقه مبتلا نمی شدند. و اینهمه مصیبت بر اسلام و مسلمین وارد نمی شد. در این اثر خطبه غدیر به همراه داستان غدیر با متنی شیوا و روان توسط آقای مهدی صباغی به رشته تحریر در آمده است.

قطع رقمی چاپ اول / ۸۰ ص



۶۳ داستان از زندگی امام علی (ع) / هادی نعیمی

بیرامون شخصیت ممتاز علی ابن ابیطالب (ع) هر چه گفته شود کم است، چون نمی توان با گفتار و نوشتار، شخصیت الهی آن حضرت را توصیف نمود ولیکن بعنوان اسوه، باید او را در حد توان بشری شناخت. در این اثر جناب حجت الاسلام قطیعی ۶۳ داستان از ابعاد مختلف زندگی حضرت را با متنی روان به رشته تحریر در آورده است.

قطع رقمی چاپ اول / ۸۰ ص



مسجد و مسجدیها / محمدمهدی فجری

مروری بر سخنان بزرگان دین، نشانگر آن است که احداث مسجد، فلسفه ای جز حضور مردم در آن و بهره گیری از برکات آن ندارد. با توجه به اهمیت مسجد جناب حجت الاسلام فجری این اثر را در بخشهای ذیل به رشته تحریر در آورده است.

- ۱- اهمیت مسجد در آیات و روایات ۲- اهمیت مسجد از دیدگاه علما
- ۳- وظایف مسلمانان در برابر مسجد ۴- ویژگی های اهل مسجد ۵- فواید دنیوی رفت و آمد به مسجد ۶- یادش اخروی رفتن به مسجد ۷- عاقبت عدم حضور در مسجد

قطع رقمی چاپ اول / ۱۰۴ ص



بیت الله حیدر...

امام زمان (عج) در کتاب نجم الثاقب

زال عفت / رضا اخوی

بی تردید، عفت و پاکدامنی تنها یک ارزش اخلاقی مرتبط با اخلاق فردی نیست، بلکه این صفت ارزشمند، زمینه ساز امنیت و حفظ خانواده ها از آسیب های فراوان است. جامعه خالی از حیا و عفت جولانگاه جنایتکارانی است که آرامش و امنیت مردم را به قتلگاه هوس های نفسانی خود میسرنند. این کتاب که به قلم حجت الاسلام رضا اخوی نگاشته شده ضمن بررسی آیات و روایات مربوطه، داستانهایی جذاب و واقعی دارد.



قطع رقی / چاپ سوم / ۶۲ ص



مدیریت نگاه / رضا اخوی

یکی از راه های نفوذ شیطان در قلب آدمی و از مهم ترین عوامل ایجاد هوس های نفسانی، نگاه های آلوده است. این خطای خطرناک تنها با مدیریت درست نگاه از ما دور می شود. این اثر که به قلم حجت الاسلام رضا اخوی نگاشته شده، رابطه نگاه و گناه را با توجه به معارف دینی و کلام معصومین (ع) بررسی می کند و شامل موارد ذیل است:

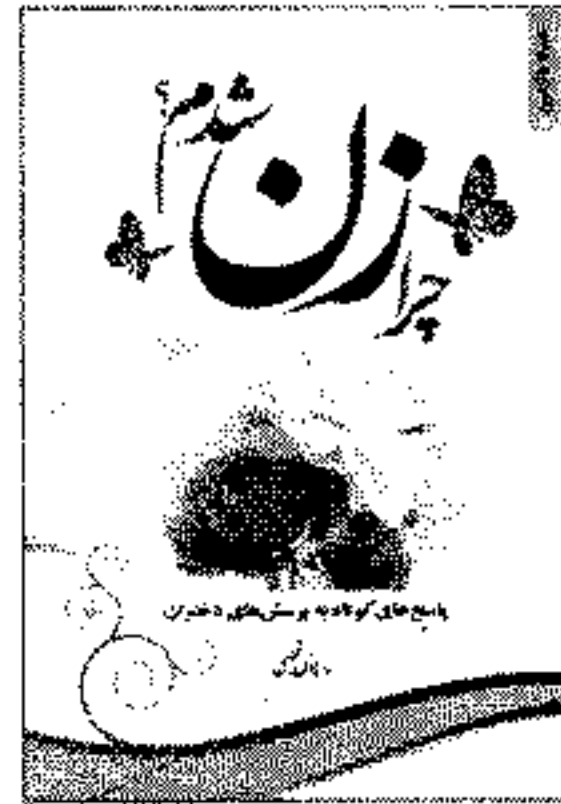
- ۱- اهمیت نگاه ۲- انواع نگاه ۳- رابطه نگاه و گناه ۴- پیامدهای منفی چشم چرانی ۵- داستانهایی از نگاه ۶- راهکارهای کنترل چشم و گناه

قطع رقی / چاپ سوم / ۶۴ ص

چرا زن شدم / هادی قطبی

در این کتاب جناب حجت الاسلام قطبی ضمن بررسی ارزش زن در قبل و بعد از اسلام موارد ذیل را در قالب پاسخ به شبهات دختران مورد بررسی قرار می دهد.

- چرا مردان می توانند چند همسر بگیرند ولی زنان نمی توانند؟
- چه تفاوتی میان فحشاء و ازدواج موقت وجود دارد؟
- آیا حجاب امری شخصی است یا قانونی؟
- چرا برخی علماء زن را از حضور در اجتماع منع می کنند؟



قطع رقی / چاپ چهارم / ۱۴۰ ص



بهای انسان / هادی قطبی

خداوند متعال انسان را اشرف مخلوقات قرار داده است. برای رسیدن به این مقام لازم است وسایل آزمایش و امتحان او فراهم شود تا انتخابگر باشد و پرونده اعمال خود را با اختیار تشکیل دهد. در این عرصه آزمایش عده ای خود را به بهای اندک فروخته و از ارزش حقیقی خود غافل مانده اند. این اثر با بهره گیری از آیات و روایات و نیز حکایتهای اخلاقی ارزش حقیقی انسان را مورد بحث قرار داده و نقاط ضعف و قوتش را بر اساس نمونه های سیاه و سفید تاریخ نشان می دهد. هدف این مجموعه ارائه راهکارهای خودسازی است.

قطع رقی / چاپ اول / ۷۲ ص

ملاطفاً و با احترام



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

مقایسه ای کوتاه و گویا میان قبل و بعد از انقلاب / هادی قطبی

از دیر باز، سرزمین ایران، مهد خداپرستی، علم و فرهنگ بوده است. دانشمندان علوم عرصه های مختلف و نیز عالمان دینی، در همان روزهای آغازین طلوع فجر اسلام در ایران برخاستند و بر جبهه توحید و مبارزه با طاغوتیان و حاکمان جبار شدند. این کتاب به مقایسه ای کوتاه و گویا در موضوعاتی همچون: پوشش و حجاب، وضعیت چاپ و نشر، کتاب، صنایع دفاعی و نظامی، سلامت غذایی، مواد مخدر، رسیدگی به روستاییان و محرومان و... میان قبل و بعد از انقلاب میبرد. دایره بیان برخی موضوعات همچون رواج و هابیت و بهائیت و اسلام زدایی در زمان پهلوی می بردارد.

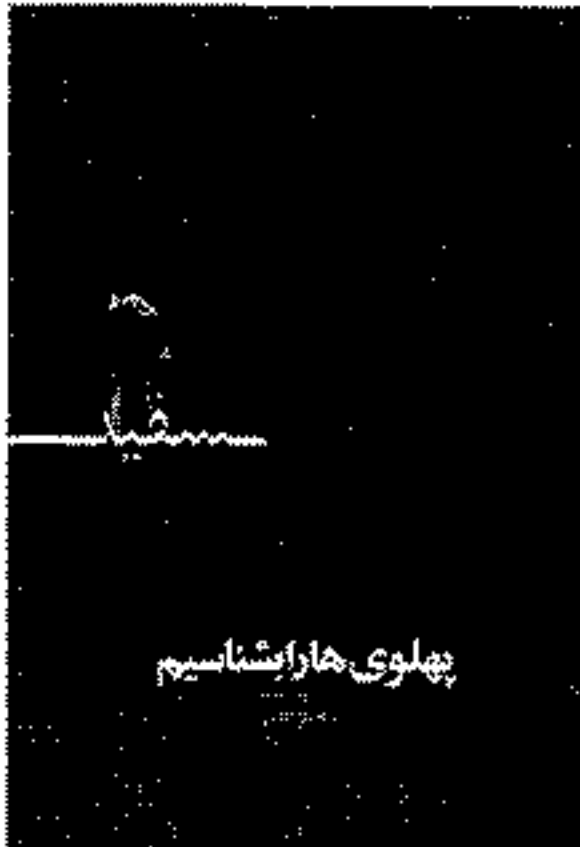


قطع رقیعی / چاپ دوم / ۲۰۴ ص

پهلوی ها را بشناسیم / هادی قطبی

در کتاب پهلوی ها را بشناسیم نگاه درونی به مشکلات فکری و رفتاری شاهان پهلوی دارد که از میان خاطرات و مصاحبه ها و روزنامه های آن زمان انتخاب شده است تا خوانندگان با آگاهی بیشتر قدر دان نعمت بزرگ انقلاب باشند.

قطع رقیعی / چاپ اول / ۱۴۰ ص



آداب و اوقات تربیت کودک و نوجوان / هادی قطبی

یکی از مسائل مهمی که همواره مورد توجه والدین بوده و هست، دغدغه چگونگی پرورش و تربیت دینی کودک و کنترل رفتارهای جنسی آنان است. این اثر با پشتوانه دینی و در عین حال علمی و کاربردی به طرح اینگونه مسائل پرداخته و به نیاز مخاطبان پاسخ می دهد.

قطع رقیعی / چاپ پانزدهم / ۱۴۴ ص



فرصت های طلایی نوروژ / محمد مهدی فحری

نوروژ علاوه بر اعلام بهار، همراه با سرسبزی، طراوت و زنده شدن طبیعت مرده و خشک، همداری است به انسان، که یک سال دیگر بر عمرت افزوده شد و یا بهتر بگوییم یک سال دیگر از عمرت کم شد. در این اثر جناب حجت الاسلام فحری جهت استفاده شایسته از تعطیلات و اوقات فراغت نوروژ ضمن بررسی برخی از آداب و رسوم که مورد تاکید اسلام است به آسیب شناسی نوروژ نیز پرداخته است.

قطع رقیعی / چاپ هفتم / ۶۸ ص



بیتنا

امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب



از جاده تا سجاده / هادی قطبی

نماز آدمی به ارتباط با خالق و آفریننده هستی و ماوراء آن ، از سرشت اوست . از همین رو "نماز" را برای تمامی فرستادگان و بندگانش واجب فرمود. این عبادت شریف در زمان بعثت خاتم النبیه (ص) به بهترین و کاملترین نماد عبادت معرفی گردید. و از همان ابتدا حضور قلب در نماز مورد توجه معصومین (ع)، علما و بزرگان دین قرار گرفت. این کتاب مضامین اخلاقی و عرفانی همراه با داستانهایی از علما دارد که در خلال مباحث، انسان را از پله ای به پله بالاتر میبرد.

قطع رقص / چاپ دوم / ۲۲۲ ص



مجموعه آثار آیت الله العظمی خاتمی

حل المسائل / هادی قطبی



معرفی نماز و آشنا سازی نوجوانان و جوانان با نماز ، یکی از وظایف مهم و اساسی مربیان و والدین است ، که درنیل به این رسالت ، پاسخ به سوالات و رفع شبهات نسل جدید درباره نماز، ضروری و لازم میباشد. در این راستا پس از جمع آوری سوالات دانش آموزان استانهای مختلف درباره نماز مهمترین آنها به عنوان سوالات اساسی و پایه ای پاسخ داده شده است.

قطع غشئی / چاپ دوم / ۷۲ ص

برنامه عبادی روزانه / هادی قطبی

انسان برای خودسازی بی نیاز از خالق خود نیست. او بهتر از هر کس دیگر می داند درد انسان چیست و درمان آن کدام است. پس بهتر است راهی را که خدا نشان داده و توسط پیامبران و امامان علیهم السلام بیان شده است را انتخاب کنیم یعنی همان ارتباط با خدا ! در این اثر با نگاهی به سیره اهل بیت علیهم السلام می خواهیم برنامه ای برای این ارتباط داشته باشیم و بگوییم، در این ساعات ارتباط با خدا چه کنیم؟

قطع نیم جیبی / چاپ نهم / ۱۲۸ ص



امام زمان (عج)
در کتاب نجم الثاقب

دوستی که هیچ وقت نمی میرد / هادی قطبی



این کتاب توسط حجت الاسلام قطبی با بررسی داستانهایی کوتاه از زبان برخی از نویسندگان، حضور خداوند را به عنوان دوستی که هیچ وقت نمیمیرد، در زندگی انسان بیان میکند. این مجموعه شامل ۴۰ داستانک از نویسندگان مختلف ایرانی و خارجی است که از منابع مختلف در طول سالها گرد آوری و در بعضی موارد با تلخیص و تغییر به صورت حاضر در آمده اند.

قطع غشئی / چاپ سوم / ۶۴ ص